

عملکرد شیعیان مهاجر ایرانی به دربار بهمنیان دکن (با تاکید بر نقش هنری و ادبی)

نسرين عسگري^۱

محمود سيد^۲

فياض زاهد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸

چکیده

یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که ریشه های مذهب تشیعی که در دوره بهمنیان نهاده شده بود و حمایت آنان از شیعیان مهاجری که از ایران و سرزمین های عربی به دکن مهاجرت می کردند موجب گسترش مذهب تشیع، رواج فرهنگ و تمدن ایرانی- اسلامی دردکن شد. یکی از مهم ترین نتایج حضور آنان به عنوان مبلغان فرهنگی با ایجاد مؤسسات آموزشی و با استفاده از حضور عالمان فضای مناسبی را برای حمایت های ادبی به وجود آوردند. تألیفات ارزشمندی که در این دوره به رشته تحریر درآمدند زبان فارسی را به اوج رساندند. همچنین مهاجرت شیعیان در قالب دیوانسالار، تجار و بازرگان و صنعتگر و معمار باعث نفوذ زمینه های فرهنگی هنری ایران در هند شد. اغلب بناهای بهمنیان به دست معماران ایرانی ساخته شده است. بناهایی همچون مسجد جامع گلبرگه، مدرسه بیدر، دژ گلبرگه و ... سلاطین بهمنی در جستجوی سبکی خاص برای هنر خود از هنر همزمان ایران بهره گرفتند و تاثیر مهاجرین شیعه ایرانی در این نفوذ فرهنگی و هنری بقدری نمود پیدا کرد که آثار آن را بر بناهای باقیمانده از دوره بهمنیان می توان مشاهده کرد.

کلیدواژه ها: شبه جزیره دکن، حکومت بهمنیان، تشیع، زبان فارسی، معماری.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Mnrh.asgari1376@gmail.com

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Mahmood.seyyed@yahoo.com

^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Fayyaz.zaahed@gmail.com

مقدمه

کشور وسیع هند در جنوب آسیا دومین کشور پرجمعیت جهان محسوب می‌شود. مردم در این کشور با نژادها، مذاهب و ادیان گوناگون زندگی می‌کنند. در این میان شیعیان هم جمعیت بزرگی را در این کشور به خود اختصاص داده‌اند و در مناطق مختلف زندگی می‌کنند. بنابراین روند گسترش تشیع و تاثیرات هنری و ادبی این مهاجرین از جمله مباحثی هست که در حوزه مطالعاتی شبه قاره هند (حکومت بهمنیان) کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش‌های انجام یافته بیشتر معطوف به تبیین جایگاه اسلام در این منطقه بوده است و این امر منجر به عدم توجه پژوهشگران به دوره‌های تاریخ شبه قاره هند از جمله منطقه دکن شده است. البته تشیع در جنوب هند سابقه دیرینه‌ای دارد که به زمان‌های دورتر از تشکیل سلسله‌های شیعی در این منطقه مربوط می‌شود. شرایط اقلیمی مساعد دکن از دیرباز عامل مثبت برای جلب توجه و جذب مهاجرین بوده است و شیعیان بسیاری از سرزمین‌های اسلامی بنا به دلایل مختلف، ترک وطن نموده و دکن را به عنوان مأوا برگزیدند. این مهاجرت‌ها رشد و آگاهی افکار شیعی را در مناطق مختلف دکن به دنبال داشت.

به نظر می‌رسد ریشه‌های تاریخی نفوذ و رواج تشیع در دکن را باید در مهاجرت‌هایی که پس از حمله مغول و تیمور به ایران انجام شد جست‌وجو کرد؛ زیرا صدمات و آسیب‌های این حملات در دوره‌های بعدی و حتی با تشکیل دولت صفوی ترمیم نشد و باعث مهاجرت گروه‌های مختلفی اعم از علما، دانشمندان، تجار، هنرمندان و حتی بسیاری از مردم عادی شد. تعدادی از این مهاجرین در سرزمین جدید با توجه به قابلیت‌ها و استعدادهای خود به مناصب و مقام‌هایی دست یافتند. این افراد با به‌کارگیری دیگر مهاجرین شیعه در مناصب مختلف گام مهمی در رشد تشیع و پیامد‌های این مهاجرت در منطقه برداشتند. در این میان حکومت‌هایی در دکن به وجود آمدند که برخی حاکمان آنها ایرانی نژاد و شیعه مذهب بودند. با تشکیل این دولت‌ها روند مهاجرت‌ها به دکن سرعت بیشتری گرفت.

حکومت بهمنیان (۷۴۸-۹۳۴ ق) اولین حکومت مستقل مسلمان بود که در جنوب هند شکل گرفت و پس از انقراض آن، قطب شاهیان (گلکنده) عادل شاهیان (بیجاپور) نظام شاهیان (احمدنگر) عمادشاهیان (برار) برید شاهیان (بیدر) جانشینان آنان در منطقه دکن بودند.

بنابراین پژوهشگر، به چگونگی عوامل مهاجرت شیعیان و نقش و تأثیر آنان را در وضعیت ادبی و هنری شبه جزیره دکن (حکومت بهمنیان) مورد تحلیل و مطالعه قرار خواهد داد.

بیان مساله:

بهمنیان نخستین حکومت مستقل مسلمان در جنوب هند بودند که از سال ۷۴۸ تا ۹۳۴ هجری قمری بر این منطقه حکومت کردند. مؤسس این سلسله علاء الدین حسن کانگو یا بهمن شاه (۷۴۸-۷۵۹ قمری) بود. هیجده تن از اعضاء این خاندان بر دکن حکم می‌راندند که پایتخت هشت تن از آنان حسن آباد گلبرگه بود و پایتخت سلاطین دیگر این سلسله محمد آباد بیدر بود. تشکیل حکومت بهمنیان در دکن که از طرفی خود را از اعقاب پادشاهان ایران می‌دانستند و از طرف دیگر از همان روزهای نخست تشکیل حکومت خویش به حمایت بی‌دریغ از ایرانیان و سادات عراق و مکه و مدینه پرداختند، باعث شد که گروه کثیری از این مهاجران سرزمین دکن را بهترین ملجأ و مأوای خویش بدانند و به صورت فردی و گروهی به قلمرو بهمنیان مهاجرت کنند. حمایت بی‌دریغ پادشاهان بهمنی باعث شد تا گروههای فراوانی از شیعیان از قشرهای مختلف، به انگیزه برخورداری از حمایتهای مادی و معنوی آنان، از ایران و عراق و دیگر سرزمین‌ها به دکن و دربار بهمنیان کوچیدند. مهاجران پس از ورود به دکن برای تمایز از بومیان آنجا "غریبان (غربا) یا غریب الدریار" نامیده شدند. این گروه عموماً شیعه و از سادات کربلا، نجف، گیلان و سیستان بودند. در تحقیقات تاریخی جدید نیز این گروه را با اصطلاح فقهی "آفاقی‌ها" مورد شناسایی قرار داده‌اند. آفاقی‌ها که اغلب از سادات و شیعه بودند از آغاز

ورود خویش به دکن نقش بسیار مهمی در روند مسایل سیاسی و اجتماعی و علمی ایفا کردند و برخی از آنان به مناصب و مسولیت هایی همچون صدارت و وزارت دست یافتند بسیاری از ایرانیانی که به دکن مهاجرت کردند در دستگاه حکومتی بهمنیان به مناصب عالی کشوری و لشکری رسیدند. این دیوانسالاران که از عالمان بزرگ شیعی بودند در دکن اقدامات اساسی انجام دادند. پراوازه ترین دانشمند ایرانی دربار بهمنیان بازرگانی گیلانی، به نام عمادالدین محمود گاوان بود که به سال ۱۴۵۳/۸۷۵ و در روزگار پادشاهی احمد دوم به بیدر مهاجرت کرد و لقب ملک التجار گرفت. محمود گاوان تنها یک دیوانسالار عمل گرا نبود بلکه دانشمندی برجسته و نویسنده ایی توانمند به شمار می آمد. او همچنین مراکز آموزشی از جمله مدرسه بزرگی در بیدر تاسیس نمود که اساتید بزرگی در این مدارس تدریس می کردند. شخصیت برجسته ایرانی دیگر میر فضل الله اینجو از سادات شیعه بلند مرتبه شیراز بود که مسولیت آموزش شاهان بهمنی را برعهده گرفت. از بزرگترین مربیان و پرورش دهندگان آنان بود و مقام وزارت بهمنیان را هم پذیرفت. میرفضل الله، فاضلان، شاعران، ادیبان زیادی از جمله لطف الله سبزواری، حکیم حسن گیلانی، سیدمحمد کازرونی و خواجه بنده نواز گیسودراز رابه دربار بهمنیان دکن دعوت کرد. شکل گیری حکومت بهمنیان در جنوب هند باعث نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی در این منطقه گردید. همچنین مهاجرت شیعیان در قالب دیوانسالار، تجار و بازرگان و صنعتگر و معمار باعث نفوذ زمینه های ادبی و هنری ایران در هند شد. اغلب بناهای بهمنیان به دست معماران ایرانی ساخته شد. بناهایی همچون مسجد جامع گلبرگه، مدرسه بیدر، دژ گلبرگه و.... سلاطین بهمنی در جستجوی سبکی خاص برای هنر خود از هنر همزمان ایران بهره گرفتند و تاثیر مهاجرین شیعه ایرانی در این نفوذ فرهنگی و هنری بقدری نمود پیدا کرد که آثار آن را بر بناهای باقیمانده از دوره بهمنیان می توان مشاهده کرد. مساله اصلی این پژوهش عملکرد شیعیان در دوره بهمنیان دکن و اینکه شیعیان مهاجر چه تاثیراتی بر ساختار، هنری و ادبی سلسله بهمنیان داشتند. در این پژوهش

نگارنده علاوه بر دستیابی به این مورد که علل و عوامل مهاجرت شیعیان مهاجر در قالب تجار، معمار و صنعتگر به شبه جزیره دکن چه بوده به تاثیراتی که این مهاجرین در زمینه های ادبی و هنری حکومت بهمنیان داشتند و در چه قالبی نمود پیدا کرده می پردازد. و محدوده ی زمانی آن از آغاز تاسیس حکومت بهمنیان تا پایان آن را در بر می گیرد.

شبه جزیره دکن (تعریف موقعیت جغرافیایی و سیاسی)

منطقه دکن فلات حاصلخیزی است در جنوب شبه قاره که تقریباً سیصد کیلومتر طول دارد. (مانورما، ۱۳۴۵، ۱۴) از نظر لغوی و سانسکریت دکن به معنی جنوب می باشد. (طریحی، ۱۴۲۶، ۷۳) معصومی در کتاب خود از دکن (دکهن) به معنی راست یا جنوب یاد کرده است و بیان کرده که از زمان های بسیار قدیم در آثار ادبی سانسکریت و متون وداها و حتی در کتیبه ها به معنای مذکور استفاده شده است. (معصومی، ۱۳۸۹، ۳۵) محمد قاسم فرشته درباره وجه تسمیه دکن می نویسد: «هند نام یکی از فرزندان حام بن یافث بن سام بن نوح بود که در آبادانی جنوب تلاش کرد. از او فرزندانی به وجود آمد که نام یکی از آنها دکن بود. دکن نیز سه پسر به نام های مرهت، کنهر و تلنگ داشت که منطقه دکن را میان آنها تقسیم کرد». (عالمی، ۱۳۹۳، ۱۴) پیشینیان غالباً فلات دکن را جزء هندوستان محسوب نمی داشتند و سلسله کوه های «ویندهیا» را فاصل بین هندوستان و فلات دکن می شمردند. (رادفر، ۱۳۹۲، ۵۹)

محدوده جغرافیایی دکن از نظر سیاسی در طول تاریخ ثابت نبوده است و دستخوش تغییرات زیادی شده است این کلمه در ابتدا به همه سرزمین جنوب هند اطلاق می شد که ایالت های کراله، تامیل ندو، کرناटक، اندراپرادش، مهارشتر، اوریسه و قسمتی از مدیا پرادش کنونی را شامل می شد. (معاشری، ۱۳۹۶، ۱۰) این شبه جزیره از حاصلخیزترین قسمت های هندوستان محسوب می شود. (شاملویی، ۱۳۶۳، ۲۶۴) و از نظر طبیعی و اقلیمی دارای تنوع فراوان بوده و دارای جنگل های انبوه،

دشت‌های وسیع و نواحی کوهستانی و نیز رودخانه‌های پرآب است. (معصومی، ۱۳۸۴، ۳۷) رودهای متعددی که در دکن جاری‌اند اوضاع جغرافیایی ویژه‌ای در منطقه ایجاد کرده‌اند؛ این رودها علاوه بر اینکه مرزهای قلمرو حکومت‌های مسلمان یا هندو بودند و در جنگ‌ها و منازعات سیاسی و نظامی تأثیر بسیار داشتند، موجب حاصلخیزی سرزمین دکن نیز می‌شدند. این تنوع جغرافیایی در شکل‌گیری و افول حکومت‌ها، مناسبات آنها با هم و وسعت یا محدودیت قلمرو هر یک نقش بسزایی داشته است. (معصومی، ۱۳۸۷، ۱-۲) منابع معاصر دکن را در محدوده حکومت سلاطین بهمنی و یا حکومت‌هایی که بعد از انقراض این سلاطین روی کار آمدند تعریف کرده‌اند؛ از آن جمله محمد قاسم هندوشاه فرشته در کتاب معروف خود تاریخ فرشته واژه دکن را به منظور دلالت بر منطقه تحت حکومت بهمنی‌ها به کار برده است. (کرمی، ۱۳۷۳، ۴)

آب و هوای این منطقه به دلیل مجاورت با خلیج بنگال گرم و مرطوب است و در قسمتی از سال (ژوئن، جولای، آگوست) باران‌های موسمی خسارات زیادی را برای مردم منطقه به بار می‌آورد. (کناریوند، ۱۳۹۴، ۱۸) بسیاری از ساکنین دکن مذهب آریایی‌ها را به مذهبی که خود داشتند افزودند. بودائیسیم نیز به دکن راه یافت. تا قرن هفتم میلادی که مسلمانان این سرزمین را تصرف کردند. (مانورما، ۱۳۴۵، ۱۱۷-۱۱۱) در سال ۱۳۴۷ میلادی سلسله بهمنیان که یک پادشاهی مستقل مسلمان بود در این منطقه تأسیس گشت که بعدها به پنج حکومت محلی مسلمان تقسیم شد. (حسین اف، ۱۳۸۹، ۳۰) با انقراض دولت‌های مسلمان به دست گورکانیان بخش اعظم سرزمین دکن توسط دودمان گورکانیان هند در سده ۱۷ میلادی فتح شد. با تضعیف و انقراض گورکانیان دکن نیز صحنه رقابت بین فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها شد و تا زمان استقلال در سال ۱۹۴۷ تحت کنترل بریتانیا باقی ماند. (مانورما، ۱۳۴۵، ۱۲۹)

حکومت بهمنیان (۷۴۸-۹۳۴ ه.ق)

تاسیس حکومت بهمنیان

حکومت بهمنیان اولین حکومت مستقل مسلمان بود که در ۷۴۸ ه.ق در جنوب هند شکل گرفت. از این تاریخ تا سال ۹۳۴ ه.ق هیجده تن از پادشاهان بهمنی در دکن حکومت کردند. اولین این سلاطین حسن کانگو (۷۴۸-۷۶۰ ه.ق) و آخرین آنان سلطان کلیم الله (۹۳۴-۹۳۲ ه.ق) بود. از این ۱۸ تن، هشت نفر در شهر گلبرگه (۸۲۵-۷۴۸ ه.ق) و ده نفر دیگر در بیدر (۹۳۴-۸۲۵ ه.ق) به حکومت پرداختند (عصامی، ۱۹۴۸، ۵۲۱). محمد بن تغلق علی رغم موفقیت خویش در فتوح دکن، سیاست موثری در کنترل قلمرو خود بکار نبرد. شورش دکن برای محمد تغلق بسیار زیان آور و طاقت فرسا بود. او تلاش کرد که شورش را فرو نشاند اما در چنین احوالی شکست خورد و دکن از دهلی جدا شد. امیران صده افسران ترک بودند و از زمان حکومت خلجی ها برای حفاظت مناطق جنوبی هندوستان برگزیده شده بودند (صدیقی، ۱۳۶۹، ۵۳). در زمان پادشاهی تغلقان تعداد آنها بیشتر شد و ترکان بی شماری در اطراف دکن ساکن شدند. همچنین امیران صده در دوران قرون میانه، تاریخ ساز شبه قاره شدند. آنها خدمات سیاسی و فرهنگی بسیار زیادی در دکن انجام دادند. در زمان شورش های عهد محمد تغلق، اسماعیل مخ حاکم دکن بود (عصامی، ۱۹۴۸، ۴۹۱؛ صدیقی، ۱۳۶۹، ۵۷). طی این شورش ها ظفرخان که نام اصلی وی حسن بود، نقش فعال داشت. به دلیل پیروی اسماعیل مخ نظر همه امیران، متوجه حسن شد (صدیقی، ۱۳۶۹، ۷۷) و بدین ترتیب ظفرخان با لقب علاء الدین حسن بهمن شاه به پادشاهی برگزیده شد. این حکومت بعد از گذشت دو سال از تاسیس (سلطنت بهمنی " نام گرفت (لین پل، ۱۳۶۳، ۱۷۹).

بهمن شاه بجای دولت آباد "گلبرگه" را با نام "حسن آباد" به پایتختی برگزید. پس از گذشت ۸۰ سال از این وقایع، مرکز سیاسی و فرهنگی دکن به بیدر منتقل شد و

بواسطه وجود جانشین لایق و قدرتمند بهمن شاه، این حکومت به سلطنت بزرگی تبدیل شد (لین پل، ۱۳۶۳، ۳۲۵).

شرح مختصری از پادشاهان بهمنی و اقدامات آنان

موسس حکومت بهمنیان، یعنی حسن کانگوی بهمن (۷۴۸-۷۶۰ ه.ق) حدود ۱۲ سال حکومت کرد و همه همت خود را صرف نبرد با مخالفان داخلی و دشمنان خارجی نمود. بعد از او ۱۷ نفر دیگر از این سلسله حکومت کردند که در اینجا به ذکر تاریخچه آنها می پردازیم.

حسن کانگوی بهمنی (۷۴۸-۷۶۰ ه.ق)

حسن بهمن شاه، افراد مهاجر از ایران و آسیای مرکزی را در ارتش استخدام کرد تا بتواند استقلال خویش را حفظ نماید. (معصومی، ۱۳۸۴، ۴۳) از زمان حسن بهمن شاه روابط علمی با ایران آغاز شده بود. و در دربار او چندین عالم؛ فاضل و شاعر ایرانی زندگی می کردند. مولانا لطف الله؛ ملا حکیم علیم الدین تبریزی، از جمله علمایی بودند که از ایران به دکن رفتند. با حمایت حسن از علماء نویسنده کتاب "فتوح السلاطین" یعنی عصامی مورخ و شاعر، از دربار محمد تغلق به دربار بهمن رفت. او تحت حمایت حسن شاه بهمنی تاریخ مبسوطی به شعر به سبک شاهنامه فردوسی سرود این تاریخ از زمان سلطان محمود غزنوی شروع و با حکومت بهمن شاه به پایان رسید. (معین الدین عقیل، ۱۳۹۱، ۴۳-۳۳) پادشاه بهمنی اعتقادی ویژه به شیخ سراج الدین جنیدی داشت. علاوه بر شیخ جنیدی صوفیان دیگر نیز در نزد علاءالدین بهمنی احترام خاصی داشتند. (عالمی؛ ۱۳۹۳، ۱۰۵). تمایلات سنی گرایانه صوفیان در دوره تاسیس و تثبیت و سپس حضور صوفیان و علمای شیعی مذهب در سال های پس از آن، روند تمایلات مذهبی را از تسنن به تشیع تغییر داد. (عالمی، ۱۳۹۳، ۲۳۴-۲۳۳) همچنین بهمن شاه به تعلیم و تربیت فرزندان خویش توجه ویژه ای داشت و کتاب بوستان سعدی جزو کتابهای درسی فرزندان وی بود و

تدریس می شد. روزی کوچکترین فرزند خود را که محمود نام داشت. و همچنین نسبت به وی محبت زیادی روا می داشت. نزدیک خود نیافت و علت را جویا شد. و گفتند "در مکتب به خواندن مشغول است." سپس او را طلبیده و پرسید چه می خوانی؟ گفت بوستان شیخ مصلح الدین شیرازی (فرشته، ۱۳۰۱، ج ۱، ۲۹۴) همانگونه که گفتیم سلطان حسن بهمن شاه، با مردم با سخاوت رفتار می کرد و به زبان فارسی توجه داشت و به نوعی دوستدار علم بود و همین مسایل باعث می شد که افراد زیادی به دربار وی مهاجرت نمایند. در دوره سلطنت وی فعالیت های فرهنگی گسترده ای صورت پذیرفت. اما وی به عنوان موسس اولین حکومت مسلمان در دکن، سیاست جذب مسلمانان از سرزمین های مختلف اسلامی را آغاز کرد. وی فردی علم دوست و علاقمند به علماء، خاصه علمای مذهبی بود. و علماء در جشن های سالانه حکومتی شرکت می کردند. (فرشته، ۱۳۰۱، ۲۷۸)

محمد شاه بن سلطان کانگو، محمد اول (۷۶۰-۷۷۷ ه.ق)

با مرگ پدر، پسر جانشین می شود، کسی که او را باید موسس واقعی حکومت بهمنی دانست. او کسی نبود جز محمد شاه که توانست با یاری سیف الدین غوری اوضاع اداری و سیاسی را سروسامان بخشد. (معصومی، ۱۳۸۷، ۴۴) و برای اولین بار در دکن اقدام به ضرب سکه نمود. محمد شاه اول، همانند پدرش علاءالدین حسن، اعتقادی راسخ به شیخ محمد سراج از صوفیان فرقه جنیدیه داشت. سلطان محمد شاه برای رفع خلاء مشروعیت دینی در حکومت بهمنی نسبت به کسب اجازه خطبه خوانی از سوی خلیفه عباسی اقدام نمود. (عالمی، ۱۳۹۳، ۱۰۸-۱۰۷) اما نکته قابل توجه این است که محمد به وضع دانش، و دانشمندان توجه داشت و در پایان عمر اکثر اوقات را به مصاحبت با علما می پرداخت (معصومی، ۱۳۸۴، ۴۶) فضل الله بن فیض الله حسینی شیرازی، معروف به میرفضل الله اینجو، از اشخاصی است که در مناصب مختلف بویژه وزارت خدمات فراوانی برای سلاطین بهمنی انجام داد. وی در دوره حسن کانگو از ایران به دکن آمد و از ملازمان و درباریان حسن شد. میر

فضل الله دانشمندی برجسته بود و در علوم مختلف از جمله هندسه ، ریاضی و منطق ، فلسفه و نجوم و کلام دارای تبحر بود . و از همین روی در زمان محمد اول به منصب صدارت رئیس امور دینی و اوقاف رسید . (معصومی ، ۱۳۸۷ ، ۸۱) نکته حایز اهمیت اینکه وی از جمله نخستین و موثرترین افرادی بود که باعث آشنایی دکن با فرهنگ تشیع شد و نقش مهمی در توجه سلطان به سادات و شیعیان داشت . (سیاوش یاری و کناری وند ، ۱۳۹۴ ، ۱۲۲) همچنین در زمان حکومت محمد اول ، مسجد اعظم گلبرگه به دست معماری قزوینی بنا شد . تا نشانه توجه وی به کارهای عام المنفعه باشد . (هالیستر ، ۱۳۷۳ ، ۱۱۸)

امیر مجاهد بن سلطان محمد (۷۷۷-۷۸۰ ه. ق)

وی پس از درگذشت پدر بر تخت دکن جلوس نمود. او قوی هیکل و تنومند بود و زبان ترکی را می دانست و با ترکان و فارسی زبانان همنشین بود . (فرشته ، ۱۳۰۱ ، ۲۹۰-۲۹۱) در زمان پادشاهی مجاهد بسیاری از شعرای عربستان و ایران به دکن آمدند . و از سخاوت این امیر بهره مند شدند . (هالیستر ، ۱۳۷۳ ، ۱۱۹) به هرروی ، سلطان داوود بهمنی (۷۸۰-۷۸۰ ه. ق) که پس از به قتل رساندن مجاهد ، در سال ۷۸۰ ه. ق خود را سلطان نامید . در محرم همان سال در حالیکه یک ماه و پنج روز از سلطنت وی می گذشت . به قتل رسید . بعداز قتل مجاهد شاه تا بر تخت نشستن فیروزشاه هشتمین سلطان بهمنی در ۸۰۰ ه. ق حکومت بهمنی شاهد دوره ای از ضعف و اختلافات داخلی و شاه کشی بود و بجز محمد دوم ، این دوران را باید دوره افول قدرت بهمنیان در دکن به حساب آورد .

سلطان محمد شاه دوم (۷۸۰-۷۹۹ ه. ق)

محمد دوم را باید به جد از پیشگامان گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی در منطقه دکن قلمداد نمود . سلطان محمد شاه دوم در دوره سلطنت خویش دست به اقداماتی در جهت ترویج این فرهنگ زد . (فرشته ، ۱۳۰۱ ، ۳۰۲) در زمان سلطنت محمد شاه ما شاهد نوعی آرامش در قلمرو هستیم . لذا این موضوع باعث می شد که

تا فرصت انجام فعالیت های علمی در دوره وی گسترش و فراهم آید. و برای این منظور در شهرهای متعددی در قلمرو خویش مانند گلبرگه، بیدر، ایلچپور، دولت آباد، چاول، دابل مرکزی برای تعلیم و تربیت مردم بویژه تهی دستان مدرسه بنا کرد. و برای پرداخت مخارج آن از هزینه خراج مقررری تعیین کرد. (فرشته، ۱۳۰۱، ۳۰۲-۳۰۱) او با برگزیدن مجدد ملک سیف غوری به منصب وزارت و میرفضل الله اینجوی شیرازی به منصب صدارت دوره جدیدی را در حیات فرهنگی دکن آغاز نمود. که تا پایان حکومت بهمنی ادامه دار بود. (معصومی، ۱۳۸۷، ۴۹-۴۸) رعایای کشور محمد شاه دوم را ارسطو می نامیدند. چون پادشاهی عالم، دانش پرور و دوستدار علم بود. وی به علماء ارج می نهاد. (معین الدین عقیل، ۱۳۹۱، ۳۰-۲۹)

فیروزشاه بن احمدخان (۸۰۰-۸۲۵ ه.ق)

فیروزشاه همان کسی است که از شش و هفت سالگی براساس دستور محمد شاه دوم، تحت تربیت میرفضل الله اینجو قرار گرفت. میرفضل الله نیز در این امر نهایت تلاشش را مبذول نمود. (فرشته، ۱۳۰۱، ۳۱۷) فیروزشاه بهمنی اولین سلطان در دوره سلطنت بهمنیان دکن است. که از طریق ازدواج و وصلت با خاندان میر فضل الله اینجوی شیرازی که خود شیعه و از سادات بود. با شیعیان اتحاد برقرار کرد. بنابراین تاریخ فرشته، فیروزشاه بهمنی، دختر ملک نائب میرفضل الله اینجو را به عقد نکاح شاهزاده حسن خان در آورد. و یکی از دختران خود را به یکی از پسران میرفضل الله اینجو به نام میرشمس الدین محمد اینجو تزویج کرد. (فرشته، ۱۳۰۱، ۳۰۸) این امر نقطه عطفی در تحولات مذهبی این دوره به شمار می رود. نکته جالب اینکه فیروزشاه به پیشنهاد اینجوی شیرازی ازدواج متعه که در مذهب تشیع رایج است را پذیرفت. اما به نظر می رسد وی باین کار به دنبال فرصت های مناسب برای ایجاد تعادل میان سنیان و شیعیان بوده است. (فرشته، ۱۳۰۱، ۳۰۷-۳۰۵)

فیروزشاه بعد از اتمام کارهای سلطنتش، روزگار را با اطرافیان خود می گذارند و در اکثر علوم بویژه تفسیر، اصول، حکمت طبیعی و نظری و اصطلاحات تصوف مهارت

داشت . (سیاوش یاری ، ۱۳۸۸ ، ۱۲۴-۱۲۳) علاقه وی به علوم و فراگیری آن ، مربوط به تعلیماتی است که از محمد دوم و از معلم خویش میرفضل الله اینجو آموخته بود . (فرشته ، ۱۳۰ ، ۳۰۸) در دوره فیروزشاه شاهد جریان مستمر مهاجرت مسلمانان به دکن هستیم . او تحت تاثیر وزیرش میرفضل الله به حمایت دانشمندان پرداخت و به کشتی های خود که هر ساله از بنادر دکن برای تجارت ارسال می شدند . دستور داد که مردم صاحب کمال را به همراه خود به دربار وی بیاورند . و ازاین رو جریان ورود دانشمندان شیعی به شبه قاره هند را سرعت بخشید . (ضابط ، ۱۳۷۷ ، ۲۹) از اقدامات مهم وی در این زمینه بنای شهری بزرگ در جنوب گلبرگه در ساحل رود بهمیا به نام فیروز آباد بود . مقبره فیروزشاه ، آخرین سلطان بهمنیان در گلبرگه ، زیباترین و باشکوه ترین بنای موجود در هفت گنبد است . مقبره وی به روشنی نشان دهنده تاثیر فزاینده ایرانیان در معماری این دوره و نیز شکوه و عظمت این سلطان است . بسیاری از ویژگی های این مقبره در واقع ترکیبی از سه سبک ایرانی ، تغلکی و بومی است . اما با وجود این تفوق سبک ایرانی در همه جای بنا به روشنی قابل تشخیص است . نکته پایانی در مورد سلطنت فیروزشاه همانگونه که گفتیم ملا داوود بیدری ، تاریخ ملوک بهمنی را نگاشت . و آن را تحفه السلاطین نامید . و آن را به فیروزشاه تقدیم نمود . و گیسودراز در رشد و توسعه آموزش های اسلامی تالیفات متعددی به نگارش در آورد . (عالمی ، ۱۳۹۳ ، ۲۵۹-۲۵۸)

احمد شاه اول (۸۲۵-۸۳۸ ه.ق)

حکومت احمدشاه ولی بهمنی سرآغاز جدیدی برای تمایلات شیعی از سوی سلاطین بهمنی به شمار می رفت . وی در محلی به نام خانان پور زندگی کرد که اگر به سلطنت برسد آن مکان را رسول آباد نامگذاری کند و آنجا را وقف سادات مکه ، مدینه ، کربلا و نجف نماید . (فرشته ، ۱۳۰۱ ، ۳۱۷) احمدشاه در صدد تجربه سلطنت در محیطی جدید و با تمایلات و اندیشه های متفاوت بود . و ازاین روی بود که پس از مرگ گیسودراز به فرزندان وی وابسته نگردید و براساس تمایلات شیعی خویش ، مبالغ

بسیاری میان سادات کربلا توزیع کرد و با کسانی که به شیعه و سادات توهین می کردند به سختی مقابله می کرد. احمدشاه در حمایت از شیعیان و سادات تلاش می نمود. (فرشته، ۱۳۰۱، ۳۲۸)

از نظر احمدشاه که در سال ۸۳۳ ه.ق تحت تأثیر اندیشه های گیسودراز به آیین تشیع متمایل گشت. (یاری و کناریوند، ۱۳۹۴، ۱۲۴) متعقد بود که معتقدات مذهبی امری فردی است. و از اینرو با هوشمندی از سختگیری درباره مذهب اتباع خویش خودداری کرد. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۸) در واقع پایه های تشیعی که بعدها در این منطقه بسیار رشد و نفوذ کرده و به صورت مذهب رسمی دکن در آمد. در این دوره نهاده شد. (عزیر احمد، ۱۳۶۶، ۲۸).

علاء الدین احمد دوم (۸۳۸-۸۶۲ ه.ق)

احمد دوم به جای پدر بر تخت نشست و در حالی که دو تن از سادات به نام های شاه خلیل الله و سید حنیف او را همراهی می کردند. تاجگذاری کرد. (عالمی، ۱۳۹۳، ۲۴۷) با وجود اینکه دلیلی مبنی بر پذیرش شیعه از سوی احمد دوم درست نیست. اما با این حال او نیز سیاست پدر را در حمایت شیعیان و برکشیدن آنان ادامه داد و حتی از پدرش نیز در کنار گذاشتن صاحب منصبان قدیمی پیشی گرفت. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۱۲۲) احمد دوم به دلیل عدم تدبیر و دور اندیشی بازیچه اطرافیان و امراء و سرداران خویش قرار گرفت. (معصومی، ۱۳۸۹، ۵۹-۵۸)

از جمله حوادث تلخی که در دوره او برای شیعیان رخ داد. قتل ۱۲۰۰ نفر از آنان در واقعه معروف قلعه چاکنه واقع در شمال غربی بهمنیان بود. او خلف بصری را که عرب و شیعه مذهب بود. و با گروه فراوانی از اعراب و نیز اموال بسیار به دکن مهاجرت کرد. به عنوان وزیر خود انتخاب کرد. خلف حسن بصری ریاست و رهبری آفاقی ها را برعهده داشت. وی برای مقابله با یکی از حاکمان محلی هندو با سپاهیان که اغلب از

آفاقی ها و سادات بودند . به سرزمین واقع در شمال غربی قلمرو بهمنیان لشکرکشی کرد اما اختلاف میان آفاقی ها و دکنی ها و عدم حمایت دکنیان از حسن باعث شکست وی و به قتل رسیدن او و بسیاری از همراهانش گردید . پس از قتل حسن گروهی از یاران وی ازبیم دکنیان به قلعه ای به نام چاکنه پناهنده شدند . دکنیان با فریفتن سلطان موفق شدند . جواز نبرد با این گروه را بدست آوردند . آنان با امان دادن به پناهندگان قلعه و سپس خیانت به آنان ، تعدا کثیری را به قتل رساندند . باین حال انگیزه دکنیان در دست زدن به چنین اقدامی تنها مسایل قومی و نژادی و دشمنی دیرین آفاقی - دکنی بود و دلیلی بر وجود انگیزه های مذهبی در این رخداد در دست نیست . (معصومی ، ۱۳۸۹ ، ۱۵۳-۱۵۲) از وقایع قابل توجه دوره احمدشاه دوم در سال ۸۷۵/ ۱۴۵۳ ورود بازرگانی به نام عمادالدین محمود که در تاریخ به گاوآن شناخته شده است . به دکن بود .

علاءالدین همایون بهمنی (۸۶۲-۸۶۵ ه. ق)

سلطان همایون شاه سلطنت خویش را با انجام یک سخنرانی که نشانگر افکار و اندیشه های وی درباره کشورداری است آغاز کرد . به استناد برهان مآثر ، سلطان همایون در این سخنرانی چنین اظهار داشت . "معارض قهرمانی و ارتفاع جهان بهانی جز به تعیین وزیری که باتفاق الوالالباب امم و عقلای عرب و عجم اکفی الکفات باشد میسر نشود و تمهید قواعد فرمانروایی و کشورگشایی جز به تقلید مبشری که ظاهرش به حيله امانت و دیانت مزین و باطنش از شوایب ربا و عفونت مبرا و معرا باشد . دست ندهد . بنابراین نظام حل و عقد امور و قبض و بسط جمهور در کف کفایت و اختیار و قبضه درایت و اقتدار آصف جم آثار و دستور ارسطو اخبار سلطان الوزرا خواجه نجم الدین محمودبن گاوآن جیلانی که از اعظم مملکت به وفور معدلت و کمالت نصفت و تعمق انظار و تدقق افکار سرآمد است " (عالمی ، ۱۳۹۳ ، ۱۹۱-۱۹۰) این دوره همایون شاه ، دوره رونق و شکوفایی است ، که همزمان با انتصاب محمودگاوآن به مقام وزارت

است و از این رو همایون پس از اتمام سخنرانی، گاوآن را به مقام وزارت برگزیده و خلعت خاص، کمرو کلاه طلا را به وی اعطا می‌کند. (عالمی، ۱۳۹۱، ۱۵۴)

شاه، همچنین محمود را به لقب ملک التجار و همچنین وکیل السلطنه می‌آراید. (فرشته، ۱۳۰۱، ۳۲۹) محمود گاوآن در دیوانسالاری بهمنیان به اصلاحاتی گسترده دست زد. محمود گاوآن برای راحت تر اداره کردن کشور و جلوگیری از قدرت های حاکمان ولایتها، قلمرو بهمنیان را به هشت قسمت تقسیم کرد. و برای هر منطقه ای حاکمی انتخاب کرد. محمود گاوآن افزون بر انجام اصلاحات در امور اداری، نظامی با اندازه گیری زمین به مشخص کردن مرزهای شهرها و روستاها پرداخت. این طرح، تخمین در آمدهای حاصل از شهرها و روستاها را آسان تر می‌کرد. این به سود طبقه کشاورز بود. زیرا امکان سودجویی اشراف از بین می‌رفت و با مهار کردن قدرت اشراف، موقعیت حکومت مرکزی را مستحکم می‌کرد. خواجه محمود که در واقع تاجری برگزیده و آگاه از مسایل عصر بود. توانست با ایجاد روابط تجاری با خلیج فارس و اقیانوس هند، در شکوفایی اقتصادی دکن و جنوب ایران نقشی مهم ایفاء کند. به گونه ای که در دوره هیچ یک از پادشاهان بهمنی چنان ثروتی در خزانه جمع نشده بود. روابط تجاری خواجه از مرزهای ایران فراتر رفته بود. و کارگزاران تجاری خود را هر سال با کالاهای هندی به بروسه فرستاد. و در سال ۱۴۸۱ م. برخی از این افراد به بخارا رفته بودند. تا به داد و ستد پارچه و دیگر کالاهای هند بپردازند. (صادقی علوی، ۱۳۸۸، ۳۱)

محمدبن همایون، محمد سوم (۸۶۷-۸۸۷ ه.ق)

با مرگ نظام شاه در جوانی، پس از او برادرش محمدشاه در نه سالگی عهده دار سلطنت شد. (یاری و کناربوند، ۱۳۹۴، ۱۲۸) در این دوره نیز به صلاحدید مخدومه جهان، ماه بانو، خواجه محمود مسول رسیدگی به امور مملکت شد. (اطهر رضوی، ۱۳۷۶، ۴۰۵) محمد سوم را بزرگترین و نیز آخرین سلطان مستقل بهمنیان به حساب آورده اند. زیرا هر چند پس از وی پنج تن از این خاندان به حکومت رسیدند

اما همگی به شدت در واقع در دست امرا و وزرای خویش زندانی بودند. (معصومی ۱۳۸۴، ۶۲) دوران سلطنت وی، را دوران طلایی حکومت بهمنیان دانسته اند. فعالیت ایرانیان دربار بهمنی، بویژه خواجه محمود گاوآن در تثبیت و گسترش حکومت اثر بسزایی داشت. همانطوریکه قبلا گفته شد. اصلاحاتی که خواجه محمود گاوآن انجام داد سبب تثبیت حکومت مرکزی بهمنیان و تضعیف امرای مناطق گوناگون شد. این اصلاحات بیشتر در زمینه های اداری و مالی بود. به گونه ای که نظام اداری حکومت بهمنیان را متحول کرد. (صادقی علوی، ۱۳۸۸، ۲۱) اما پیروزی های چشمگیر محمود گاوآن در نبردهای که با سلطان ویجانگر هندو داشت باعث افزایش مقام و موقعیت وی در نزد سلطان و اعطای القاب و مناصب بیشتر به او شد. این امر طبعا خوشایند دکنیان، دشمنان سرسخت گاوآن نبود. بنابراین علیه وی توطئه کردند. آنان موفق شدند با سعایت از گاوآن نزد سلطان، مقدمات قتل او را به دست محمد سوم فراهم سازند. (معصومی، ۱۳۸۷، ۶۴-۶۳) زمانی که پادشاه حکم به قتلش داد گفت "قتل من که به غایت پیری رسیده ام سهل است، اما موجب خرابی ملک و بدنامی تو خواهد شد." (فرشته، ۱۳۰۱، ۴۵۹)

محمودشاه بن محمد سوم (۸۸۷-۹۲۴ ه. ق.)

پس از محمد سوم، فرزندش محمود در دوازده سالگی بر تخت نشست. وی سی و هفت سال حکومت کرد و دوره حکومت او از همه سلاطین بهمنی طولانی تر بود. لیکن در همه این دوره اصلی ترین مشغله سلاطین و اطرافیان او اختلاف میان امرا و سرداران بهمنی از نژادها و ملیت های مختلف همچون حبشی، هندی، ترک، گرجی، چرکسی و قلمان بود. که این افراد بویژه ترکان توانستند به مناصب بسیار بالا ارتقاء یابند. (فرشته، ۱۳۰۱، ۴۷۱-۴۶۹) سلطان محمود شاه با آنکه بر مذهب تسنن بود. ولی تمایلات شیعی از خود نشان می داد وی در گرفتاری ها و مشکلات از نام "علی (ع)" مدد می جست. این امر در شعری که از وی بر جای مانده، آشکار است. محمود شاه چنین سروده است:

در بحر غم افتادم و امواج بی عدد تا چند دسته و پا بزمن یا علی مدد (فرشته، ۳۰۱، ۵۰۴)

ارسال رسول و هدایای گرانبها، از جمله تاجی که دارای نشانه های مذهب اثنی عشری بود از جانب شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۲۱ ه. ق برای این سلطان بهمنی نشانه اهمیتی است که وی به سادات و شیعیان قلمرو خویش می داد. شاید شاه اسماعیل با ارسال چنین هدایایی قصد داشت. سلطان دکن را به مذهب متبوع خویش دعوت نماید. (معصومی، ۱۳۸۴، ۱۵۵) هرچند که محمود شاه به شور کامل در دستان وزیر خویش امیر برید که یک سنی متعصب به شمار می رفت گرفتار و اسیر بود و ظاهراً از بیم او توجه چندانی به هدایای سلطان صفوی نکرد. (معصومی، ۱۳۸۹، ۱۷۰) (سرانجام حکومت بهمنی پس از ۱۸۰ سال (۹۳۴-۷۴۸ ه. ق.) با کشته شدن کلیم الله به پایان رسید.

عملکرد ادبی شیعیان مهاجر ایرانی بر دربار بهمنیان دکن

پادشاهان و حکمرانان مسلمان (حکومت بهمنیان) از ابتدای تأسیس حکومت در شبه قاره، علاقه وافر به شاعران، مورخان، نقاشان، هنرمندان و نویسندگان فارسی گوی داشتند و در حمایت و جذب آنان از هیچ کمکی دریغ نکردند و مهاجرت بسیاری از عالمان و دانشمندان شیعی به این منطقه (دربار بهمنیان) تاثیراتی شگرف در هنر و ادب این سلسله به وجود آمد. (عامر خان محمد، ۱۳۷۸، ۵۲)

اکثر مهاجرین ایرانی که به دکن مهاجرت کردند به دلیل برخورداری از ویژگی های علمی و اخلاقی توانستند در حوزه های مختلف اداری، مذهبی و فرهنگی و هنری دربار بهمنیان نفوذ کرده به مقام های بالایی دست پیدا کنند و با دعوت از دیگر دانشمندان ایرانی و با کمک آنها نقش فعالی را در به وجود آمدن فرهنگ اسلامی در دکن ایفا نمودند که این اقدامات باعث تسریع روند گسترش تشیع در منطقه دکن شده و انتقال فرهنگ و تمدن ایرانی به ویژه گسترش زبان و فرهنگ فارسی به منطقه به دنبال داشت. در این میان افرادی مسیر پیشرفت و ترقی را بیش از بقیه پیموده و تا منصب وزارت پیش رفتند و به دلیل بینش و آگاهی و توانمندی بالای خود نقش

ویژه‌ای را در تحولات منطقه عهده‌دار شدند. افرادی نظیر سیف‌الدین غوری، میر فضل‌الله اینجو و محمود گاوان بزرگترین و کارآمدترین وزرای بهمنیان بودند که در تأسیس، گسترش و استحکام حکومت بهمنیان نقش چشمگیر داشتند. (معصومی، ۱۳۸۷، ۸۸) در ذیل شرح مختصری از اقدامات و تاثیرات آنها را بازگو خواهیم کرد.

ملک سیف‌الدین غوری

سیف‌الدین غوری (م ۷۹۹ ق) ملک سیف‌الدین غوری یکی از بزرگترین و توانمندترین وزارت بهمنی محسوب می‌شود که وزارت پنج تن از سلاطین بهمنی از جمله حسن کانگو، محمد اول، مجاهد شاه، داوود و محمد دوم را به عهده داشت. اصل و نسب سیف‌الدین غوری احتمالاً از همان قبیله‌ای بود که شهاب‌الدین غوری (حک ۵۹۹-۵۶۹) از سلاطین معروف غزنین به آن تعلق داشت. در حالی که در منابع تاریخی ذکر شده که وی جزء ایرانیانی است که در حکومت بهمنیان خدمات ارزشمند و فراوانی ارائه داده، اما در مورد اینکه چگونه به دکن مهاجرت کرده مطلبی عنوان نشده است سیف‌الدین غوری در بسیاری از لشکرکشی‌ها علیه دشمنان بهمنیان نقش فرماندهی سپاه را به عهده داشت و به عنوان فرمانده ای شجاع، مناطق زیادی را تحت سلطه بهمنیان درآورد. (معاشری، ۱۳۹۶، ۳۸-۳۷)

از اولین اقدامات حسن کانگو بعد از به دست آوردن قدرت، انتخاب سیف‌الدین غوری به عنوان وکیل السلطنه بود. فرشته عنوان کرده که او خوش رفتار، خردمند، سخن‌سنج، مردم‌شناس و قدردان بود و به سبب خدماتی که قبلاً انجام داده بود و حسن سابقه‌اش به این عنوان انتخاب شد و حتی حسن کانگو دختر او را برای پسر بزرگش محمد خواستگاری کرد که بعد از شنیدن خبر مرگ محمد تغلق چون احساس کرد پایه‌های سلطنتش محکم‌تر شده مراسم عقد و ازدواج آنها را با تجملات فراوان برگزار کرد. (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۰۱، ۲۴۱-۲۴۰) این وصلت خانوادگی باعث نزدیکی بیشتر سیف‌الدین با خاندان سلطنتی را شد او از لحاظ مرتبه و منزلت از

دیگران پیشی گرفت که البته همین مسئله موجبات نارضایتی برخی را به وجود آورد. (هندوشاه استرابادی، ۱۳۰۱، ۲۴۳)

سیف‌الدین که به پاس خدماتش به منصب وزارت دولت بهمنیان رسیده بود مسئول سامان بخشیدن به این حکومت نوپا و تأسیس نظام اداری و سیاسی جدید در دکن شد. اقدامات او در سال‌های بعد و همچنین نظام اداری مستحکمی که توسط او بنیان نهاده شد نشان داد که او با نظام حکومتی رایج در دکن قبل از فتح آن به دست مسلمانان و نیز نظام اداری سلاطین دهلی آشنایی کامل داشته است. تشکیلات اداری که توسط سیف‌الدین به وجود آمد، از نظر فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی با شرایط و محیط زندگی مردم در دکن بسیار همخوانی داشت؛ به همین دلیل، این تشکیلات کم و بیش تا پایان حکومت بهمنیان و نیز در دوره جانشینان آنان در دکن ادامه یافت. این سیستم اداری را حتی برخی حاکمان هندو پس از بهمنیان مورد تقلید قرار دادند. (معصومی، ۱۳۸۹، ۷۹) او که قوانین حکومتی را تدوین کرد درباره نظم و نسق و انتظام سلطنت بهمنی کتابی تحت عنوان نصایح الملوک نوشت. (عقیل، ۱۳۹۱، ۳۲) (او این رساله را جهت آموزش اصول کشورداری و قوانین ملک‌داری برای حسن کنگو و جانشینانش نوشت. او پس از پنجاه سال خدمات صادقانه به بهمنیان در سال ۷۹۹ ق. همزمان با دوران پادشاهی محمد دوم و در حالی که ۱۰۷ سال داشت درگذشت. (معاشری، ۱۳۹۶، ۳۸)

میر فضل‌الله اینجو

همان‌طور که پیشتر اشاره شد بیشتر سلاطین بهمنی سنی مذهب بودند اما حضور دانشمندان بانفوذ شیعی، زمینه را برای اندیشه‌ها و گرایش‌های شیعی فراهم کرد. در ابتدا فیروز تحت تأثیر اندیشه‌ها و آموزه‌های شیعی قرار گرفت. این آشنایی توسط وزیر بهمنیان فضل‌الله اینجو انجام گرفت. اینجو از اولین و مؤثرترین افرادی بود

که باعث آشنایی مردم دکن با فرهنگ و مذهب تشیع شد. (اطهر رضوی، ۱۳۷۶، ۳۹۸) او که از سادات بلند مرتبه شیراز است. (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۰۱، ۳۱۷) از شاگردان ملا سعد الدین تفتازانی است. (siddiqi, 1990, 79) تفتازانی (متوفی ۷۹۱ ق / ۱۳۸۹ م) از اطراف شیراز آمده بود و از دانشمندان مشهور دربار تیمور بود. اینجو، در دوره زمامداری سلطان محمد دوم به دکن مهاجرت کرد و از طرف سلطان محمد به عنوان «صدر» انتخاب شد و زمانی نگذشت که از نزدیکان صمیمی سلطان شد. وی دانشمندان زیادی را از ایران و دیگر کشورها به دربار سلطان محمد و جانشینان او دعوت کرد؛ که این دانشمندان و شعرا او را در گسترش زبان فارسی در مؤسسات آموزشی و مجامع فرهنگی دکن یاری دادند. (اطهر رضوی، ۱۳۸۰، ۳۹۴-۳۹۳)

از این میان می‌توان به دعوت‌نامه‌ای که از طرف علامه فضل‌الله اینجو و مولانا محمد بن ابو محمد مشهدی برای حافظ برای آمدن او به دکن ارسال شد اشاره کرد. هر چند که حافظ به دلیل خطرات مسافرت‌های دریایی از این سفر خودداری کرد و برای تشکر و سپاسگزاری از این دعوت محمد شاه و فضل‌الله اینجو غزلی با مطلع زیر سرود برای آنها ارسال داشت:

دمی با غم به سر بردن جهان یکسر نمی‌ارزد به می بفروش دلق ما کزین بهتر نمی‌ارزد

در صله این غزل، محمد شاه توسط ملا قاسم مشهدی هدایایی بسیار گرانبها برای حافظ ارسال کرد. (عقیل، ۱۳۹۱، ۳۴) از دیگر اقدامات اینجو در دربار بهمنیان آموزش و تربیت فرزندان خاندان بهمنی است. محمد سنجر، فیروز خان و احمد خان برادرزاده‌های محمد شاه که پدرشان را در طفولیت از دست داده بودند به امر پادشاه تحت تربیت میر فضل‌الله هر آنچه که لایق شاهزادگان بود را آموختند؛ تیراندازی، چوگان، خواندن و نوشتن. محمد شاه که در آن زمان هنوز پسری نداشت دختران خود را به عقد دو برادرزاده خود فیروز خان و احمد خان درآورده و گاهی اوقات نیز

عنوان می‌کرد که فیروز خان ولیعهد من است ولی چون صاحب پسرانی شد پسر خود غیاث‌الدین را ولیعهد خود قرارداد و در هنگام مرگ از برادرزاده‌های خود خواست تا از او اطاعت کنند. (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۹۱، ۳۱۷)

بر اثر خدماتی که میر فضل‌الله نسبت به فیروز شاه بهمنی انجام داده بود و در تربیت و آموزش او کوتاهی نکرده بود. باعث شد که سلطان فیروز پس از رسیدن به قدرت با تعیین میر فضل‌الله به مقام صدارت و اعطای لقب «ملک نایب» به او، دین خود را به او ادا کرد. (رحمانی، ۱۳۹۵، ۸۴-۸۳) میر فضل‌الله علاوه بر کارهای دیوانی و علمی در جنگ نیز سرداری توانا بود. او همراه سلطان ۲۴ بار با کفار جنگید و قلاع آنها را فتح کرد و در نبرد با شاهان هندو به ویژه «دیورای»، حکیم فرمانروای بیجانگر/ویجیه نگر و نرسنگه راجه‌ی کهیرله دلاوری شایانی کرد. او تا زنده بود به دولت خدمت کرد و سرانجام در یکی از جنگ‌ها توسط یکی از خدمتکارانش که «دیورای» او را تطمیع کرده بود کشته شد. (رحمانی، ۱۳۹۵، ۸۵)

میر فضل‌الله را مؤلف کتابی به نام «الخلود» درباره‌ی احادیث مربوط به خلود در بهشت و جهنم دانسته‌اند. فیض‌الله اینجوی شیرازی (پدر میر فضل‌الله) نیز کتابی به نام «الجلالیه و الجمالیه» به فارسی، درباره صفات ثبوتی و سلبی نوشته است. (یاری و کنارپوند، ۱۳۹۴، ۱۲۲-۱۲۱) برخی از افراد خاندان اینجو به مناصبی دست پیدا کردند فرزند اینجو، مولانا میر غیاث‌الدین به مقام «استانداری» رسید. دامادش میر تقی‌الدین نیز «میرسامان» شد. همان‌طور که پیشتر اشاره شد سلطان یکی از دختران اینجو را به عقد پسرش شاهزاده حسن خان درآورد و دخترش را به تزویج پسر اینجو، شمس‌الدین محمد درآورد و فرمانداری دولت آباد را به داد. (اظهر رضوی، ۱۳۸۰، ۳۹۴) البته فرشته میر غیاث‌الدین را فرمانده سپاهی دانسته که توسط فیروز شاه به گجرات فرستاده شد. (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۰۱، ۳۵۱) در برخی منابع دیگر نیز فرماندهی سپاه را منصب میر غیاث‌الدین پسر اینجو دانسته‌اند. (معصومی، ۱۳۸۷، ۸۲)

محمود گاوآن

یکی از برجسته‌ترین و مؤثرترین شخصیت‌های ایرانی دکن خواجه محمود بن شیخ محمد گیلانی، معروف به محمود گاوآن یا قاوان از مترسلان و منشیان بنام ایرانی در قرن نهم قمری و ادیب و سیاستمدار دربار بهمنیان بود. خواجه محمود در روستای قاوان یا گاوآن از توابع گیلان متولد شد و از همین رو به محمود گاوآن شهرت یافت و در ماه صفر ۸۸۶ ق و در سن ۷۸ سالگی از دنیا رفت؛ بنابراین سال ولادت او را می‌توان ۸۰۸ ق دانست. (ربیع، ۱۳۹۴، ۲۹) پدران وی، از گذشته‌های دور جزء فرمانروایان گیلان بوده‌اند. وی علوم و کمالات را در زادگاه خود گیلان فرا گرفت. او به دلیل توطئه و دسیسه‌چینی برخی امرای گیلان که علیه او در حال شکل‌گیری بود، به توصیه مادرش از گیلان خارج شد و پس از آن به خراسان و عراق رفته و در محضر بزرگان علم و ادب به فراگیری دانش پرداخت. او در نهایت شغل تجارت و بازرگانی را برگزید و چون به علم و دانش و استفاده از محضر علما و دانشمندان و اهل طریقت علاقه فراوان داشت در سال ۸۵۱ هجری در عهد سلطنت علاءالدین احمد شاه دوم (۸۶۲-۸۳۹/۱۳۵۸-۱۴۴۶) برای تجارت و در اصل دیدار با علمای آن دیار و به خصوص دیدار با شاه محب‌الله، نوه‌ی شاه نعمت‌الله ولی، از طریق بنادر خلیج فارس به بندر دابل هند رفته و از آنجا به شهر بیدر پایتخت بهمنیان وارد شد. او در آنجا پس از ملاقات با علما و مشایخ قصد داشت که به عراق سفر کند اما چون شخصیت علمی و فرهنگی او مورد توجه علاءالدین همایون قرار گرفت از خواجه درخواست شد که در هند بماند و به دربار بهمنیان خدمت کند. محمود پس از قبول درخواست سلطان بهمنی به سرعت در مناصب اداری و لشکری دربار بهمنیان راه ترقی را پیموده و از منصب هزاری (فرماندهی هزار نیروی نظامی) به مقام وزارت و وکالت امور شاهی رسید. (جعفرپور، ۱۳۹۳، ۵۳)

گاوآن در زمان ورود به دکن ۴۳ سال داشت و در عهد همایون شاه به لقب ملک‌التجار نائل شد که در آن زمان بزرگترین القاب به شمار می‌رفت و به دلیل داشت این عنوان از سایر مردم ممتاز شد. البته در زمان محمد شاه چند منصب دیگر به مناصب او اضافه شده و به خواجه جهان مخاطب گردید. (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۰۱، ۴۶۲،

در زمان جانشین همایون شاه که در هشت سالگی به تخت سلطنت نشست و نظام شاه نام داشت. به گفته طباطبا چون پادشاه در سنین کودکی قرار داشت مادرش زمام حل و عقد و امور سلطنت را در دست داشت. (طباطبا، ۱۹۳۶، ۹۶) و چون زن عاقلی بود بنا به وصیت همایون شاه هیچ کاری را بدون مشورت خواجه جهان و ملک التجار انجام نمی‌داد؛ و ملک التجار را به وزیر و جمله‌الملک کل و طرفدار بیجاپور انتخاب کرد. (هندوشاه، همان منبع، ۴۲۱)

پس از مرگ ناگهانی نظام شاه، برادرش شمس‌الدین محمد (۸۸۷-۸۶۷ ق/۱۴۸۲-۱۴۶۳ م) که پسری ده ساله بود به سلطنت رسید. در اوایل حکومت محمد شاه زمام امور و اداره حکومت به عهده گاوآن بود (طباطبا، ۱۹۳۶، ۱۰۸). مدیریت خردمندان، رهبری نظامی و استعدادهای فکری او باعث شد که اعتبار دکن نه تنها در هند بلکه در سراسر ممالک اسلامی شرق گسترش یابد. (اطهر رضوی، ۱۳۸۰، ۴۰۵)

نقش خواجه محمود گاوآن در فعالیت های ادبی دوره بهمنیان

آنچه که بیش از همه نقش محمود گاوآن را در فرهنگ و ادب ایران زمین نشان می‌دهد، دو اثر ادبی او به نام‌های «مناظرالانشاء» و «ریاض‌الانشاء» است که اثر نخست، نمونه بسیار عالمانه از منشآت تعلیمی با ارزش و کتابی تعلیمی در فن انشاء و ترسل است. (نیمدهی، ۱۳۹۴، ۲۰) منشآت خواجه جهان (نفیسی، ۱۳۴۴، ۲۵۹) که اثر دیگر او و در واقع مهم‌ترین آن می‌باشد با نام ریاض‌الانشا شناخته شده است. در سال

۱۹۴۸ میلادی به تصحیح و تحشی استاد شیخ چاند بن حسین احمد تاگوری در حیدرآباد دکن به چاپ رسیده است. کتاب با یک مقدمه کوتاه و پس از آن خلاصه‌ای به زبان اردو از ۱۴۸ مکتوب فارسی مندرج در آن به قلم دکتر غلام یزدانی آغاز شده و پس از آن مقدمه کوتاه مصحح به زبان فارسی، همراه با معرفی شش نسخه خطی مورد استفاده آمده است، مصحح درباره شرح حال مؤلف کتاب مطلبی عنوان نکرده و به این مسئله که در مقدمه انگلیسی شرح حال مؤلف نوشته شده بسنده کرده است. از آن پس متن ۱۴۸ مکتوب خواجه به زبان فارسی - به استثنای یک مکتوب به زبان عربی - آمده که در زیرنویس اختلاف نسخه‌های مختلف ذکر شده است. کتاب با فهرست اعلام بسیار مختصری به پایان می‌رسد. «خواجه» در مقدمه کتاب خویش دلیل ترتیب دادن آن را توصیه دوستان خود دانسته و آورده است:

«تا جمعی از دوستان که هر یک از ایشان صدر محافل افاضل بودند و مهر سپهر و فضایل، به وجوب جمع و تألیف آن اجتماع نمودند ... بنابراین مکتوبی چند که مسوده‌ی آن از عروض حوادث مجده زمان محفوظ مانده بود و مظنه آن می‌شد که به عین رضای اهل دانش ملحوظ گردد، در سلک انتظام داده و آن را کتاب ریاض الانشا نام نهاده ...».

او هدف خود را از انتخاب سبک منشیانه و نسبتاً متکلف مکاتبات را الگو گرفتن مترسلان دانسته و آورده است:

«...تا جماعت مترسلان کیاست بضاعت را سبب ازدیاد مواد بداعت گردد و موجب بصارت و مهارت در سلوک طرق صناعت گردد...».

بر همین اساس محمود گاوآن در انشا فارسی شیوه‌ی منشیانه بسیار مبالغه‌آمیز داشته بدین معنی که در استعمال صنایع و به کار بردن لغات و ترکیبات عربی زیاده‌روی بسیار کرده و به همین سبب عبارت‌های بلند می‌نوشت و در آنها معانی باریک و گاهی کاملاً شاعرانه می‌گنجاند. با این حال نثر او مورد تحسین استادی بزرگ همچون نورالدین عبدالرحمن جامی قرار گرفت. (وثوقی، ۱۳۸۰، ۷)

فلسفه زندگی و عمل گاوآن را می‌توان از نامه‌های او جمع کرد که به وضوح مردی را که او بود نشان می‌دهد. کل زندگی محمود گاوآن را می‌توان در کلمه «فداکاری» خلاصه کرد. او وقف منافع پادشاهی بهمنی شد. او وقف اصلاحات اداری شد. او جنگ‌ها را جنگید و جلال و پادشاهی بهمنی را به ارمغان آورد. اگرچه وی در رأس امور ایالت قرار داشت، اما زندگی بسیار ساده‌ای داشت. (waghmare, 2018, 5) در مجموع ۱۴۸ نامه‌ای که در این مجموعه وجود دارد و او برای پادشاهان، حاکمان، اشراف، وزراء، دانشمندان و شاعران روزگار خود و همچنین خویشاوندانش نوشته است. (ansari, 1988, 499-494) که در این میان نامه‌هایی به حکمرانانی چون محمد دوم سلطان عثمانی، ابوسعید و سلطان حسین بایقرا تیموری و عالمانی چون جلال‌الدین دوانی و شرف‌الدین علی یزدی و صوفیان بلندآوازه‌ای چون خواجه ناصرالدین عبیدالله احرار و نورالدین عبدالرحمان جامی دیده می‌شود. او در این نامه‌ها دانشمندان ایرانی را به مهاجرت به دربار بهمنیان و ماندگاری در آن قلمرو فرا می‌خواند. قدرت علمی گاوآن و تسلط او بر ادب فارسی و عربی در این نامه‌ها نمودی چشمگیر دارد. از خلال این کتاب، می‌توان به آگاهی‌های ارزشمندی درباره نفوذ ایرانیان در دستگاه حکومت بهمنی دست یافت. (منفرد فراهانی، ۱۳۸۲، ۱۳۵)

نامه‌نگاری محمود گاوآن با پادشاهان سرزمین‌های اسلامی امری شخصی نبود. او از این راه ملوک بهمنی را به همسایگان و سرزمین‌های اسلامی معرفی می‌کرد. یادآوری قدرت نظامی ملوک بهمنی و پیروزی‌های آنها در نبردها سبب می‌شد تا

طرفداران ملوک بهمنی روابط خود را با بهمنیان تقویت کنند. همچنین اعلام برتری نظامی بهمنیان، امکان حمله احتمالی دشمنان ملوک بهمنی را کاهش می‌داد. خواجه محمود در ادامه اصلاحات خود به تأمین رفاه مردم نیز توجه داشت. (صادقی علوی ، ۱۳۸۸ ، ۳۳-۳۴)

تعداد ۸۴ مورد از این نامه‌ها اثر مستقیم بر جو تاریخی دارد که در آن نوشته شده است. مطالب موجود در این نامه‌ها علاوه بر جنبه‌های شخصی زندگی گاوآن به روابط دیپلماتیک بهمنی، مبارزات نظامی، سیاست جناحی و دشمنی‌های گروهی این دوره می‌پردازد و با سبک بسیار زیبای فارسی که مملو از تشبیهات و استعاره‌ها نوشته شده تا مدت‌ها به عنوان اثری برجسته از سبک‌های فارسی در نظر گرفته می‌شده است. (sherwani, 1942, 219) همان‌طور که اشاره شد تعدادی از این نامه‌ها مضمون خانوادگی دارد او با مکاتبات بسیاری که با افراد مختلف و به ویژه بزرگان و امرای گیلان داشته از اوضاع خانواده‌اش مطلع می‌شده است و در برخی مواقع نیز از آنها درخواست مراقبت از بستگانش را داشته است. در مکتوب ۹۹ که به یکی از همسران امرای گیلان نوشته است آورده است: «توقع که سایه مرحمت و احسان بر استقامت اوضاع خاندان این بنده خالص الجنان مبسوط دارند و اشتات احوال عبدالله را به ریسمان نصیحت مجموع و مربوط فرمایند». (گاوآن ، ۱۳۸۱ ، ۲۹۴) تقریباً ۳۳ مورد از این مکتوبات ریاض الانشا اشاره به زندگی خصوصی نویسنده دارد. (sherwani, 1942, 220)

عمادالدین محمود گیلانی، تنها یک دیوانسالار عملگرا نبود. او دانشمندی برجسته و نویسنده‌ای توانمند نیز به شمار می‌آمد. (منفرد فراهانی ، ۱۳۸۲ ، ۱۳۵) با همه مسئولیت‌های شغلی و دیوانی خواجه خود نیز اهل ذوق و ادب و شاعری بوده و علوم معقول و منقول زمان را خوب می‌دانسته و در فن نثر و نظم و انشا در روزگار خود بی‌نظیر بوده است. دیوان اشعار او در «دکن» مشهور و تا عهد تألیف تاریخ فرشته

رایج بوده است. (abbasi, 2019, 670-669) او همچنین به زبان عربی فصیح نامه می‌نگاشت. (عالمی، ۱۳۹۳، ۲۶۸)

محمود گاوان نه تنها با خدمات ارزنده خود موجب رونق حکومت بهمنیان شد، بلکه شاگردانی را تربیت کرد که بعدها در زمره دولتمردان و نویسندگان برجسته دوره خود درآمدند که از میان آنها باید از عبدالکریم نیمدهی یاد کرد برخی پژوهشگران، محمود گاوان را نماینده کاملی از طبقه آفاقی‌ها در جنوب هند دانسته‌اند که سه ویژگی مهم، اهل دیوان، علم و تجارت را با هم داشت این سه ویژگی با نبوغ و پشتکار او در استفاده از جایگاه و مناصب بالای سیاسی، موجب پیوند و استحکام روابطش با سلاطین و دولتمردان نقاط دیگر از یک سو و از سویی دیگر ارتباط با ادیبان و نویسندگان برجسته ایرانی شد. (حسین زاده، ۱۳۹۶، ۵۳) و توانست موقعیت بسیار مناسبی برای خود و یارانش در زمینه رشد زبان و ادب فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی و بازاری پررونق برای تجار و بازرگانان فراهم آورد. (نیمدهی، ۱۳۹۴، ۱۹)

گاوان فردی متدین و بسیار پایبند فرایض دینی بود. با این حال تشخیص مذهب او کاری دشوار است، هر چند برخی شواهد حکایت از شیعه بودن او دارد. توجه گاوان به علما و دانشمندان که بسیاری از شیعیان و توانا و با استعداد به دکن مهاجرت و در آنجا اقامت کنند و راه را برای گسترش عقاید شیعه در آن سرزمین هموار سازند. اگرچه گاوان مستقیماً از تشیع دفاع نمی‌کرد اما زمینه رسمی شدن این مذهب را فراهم آورد. یکی از کسانی که با حمایت محمود گاوان به حکومت رسید یوسف عادل شاه، بنیانگذار پادشاهی عادل شاهیان بود. گاوان در سال ۸۷۷ ق / ۱۴۷۲ م حکومت دولت آباد را به یوسف داد و یوسف اولین حاکمی بود که تشیع را به عنوان دین رسمی در هند اعلام کرد. (ربیعی، ۱۳۹۴، ۳۰) خواجه به منازعات شیعه و سنی بی‌اعتنا بود. به گفته فرشته، او مردی "پاک دین و پاک اعتقاد" بود و نام ابوبکر و عمر را با احترام و تعظیم یاد می‌کرد. (اطهر رضوی، ۱۳۸۰، ۴۱۴) توجهی که محمود به ایرانیان

داشت، بسیاری از شیعیان ایرانی با استعداد را قادر ساخت که در دکن اقامت کنند و راه را برای گسترش تشیع در آنجا هموار سازند. (ضابط ، ۱۳۷۷ ، ۹۳)

خواجه محمود گاوآن از نخبگان و برجستگان سیاسی عصر در هند و ایران محسوب می‌شد و به راستی باید نماینده شایسته نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی در هند دانست، او که در واقع تاجری برگزیده و آگاه به مسائل عصر بود، توانست با ایجاد ارتباطی صحیح و منطقی با محدوده تجارت در خلیج فارس و حوزه‌های اقیانوس هند ضمن به دست گرفتن امتیاز بزرگ حمل و نقل دریایی، در شکوفایی اقتصاد هند و جنوب ایران نقش بزرگی ایفا کند. او که محافل سیاسی و فرهنگی ایران او را با عنوان «ملک التجار» می‌شناختند با تشکیل گروه‌هایی از تجار و بازرگانان ایرانی مقیم هند و اعزام ایشان به محدوده قلمرو تیموریان در شرق و هرموز در جنوب و لارستان در نواحی پس کرانه‌ای جنوب و عراق، ضمن آگاه شدن از وضعیت سیاسی و اقتصادی آن مناطق، ارتباط تنگاتنگ اقتصادی و فرهنگی را با ایران برقرار نمود و توانست به طور مؤثری در تبادلات بازرگانی قرن نهم هجری شرکت جوید. (وثوقی ، ۱۳۸۰ ، ۶)

درايت و توانایی‌های او در آن عصر به پایه‌ای رسید که از طرف سلطان حسین بایقرا به دربار تیموریان دعوت شد. نفیسی به این مطلب در کتاب نظم و نثر در ایران اشاره کرده و نوشته که پس از این که سلطان حسین بایقرا یکی از ملازمان خود به نام سید کاظم را از راه قندهار و لاهور به دکن نزد او فرستاد محمد شاه به او اجازه بازگشت نداد و گاوآن او را با هدایای بسیار و نامه عذرخواهی به خراسان فرستاد ولی سید کاظم در راه و در شیراز بیمار شد و درگذشت و هدایا هرگز به مقصد نرسید. (نفیسی ، ۱۳۴۴ ، ۷۷۶) اما همین امر بیانگر شهرت گاوآن در محدوده‌های فراتر از هند است. (وثوقی ، ۱۳۸۰ ، ۶)

قتل محمود گاوآن

با اراده و عزم مستحکم، دیپلماسی متبحرانه و عملیات نظامی پیروزمندانه، خواجه محمود گاوآن سرزمین دکن را به گسترده‌ترین، اثبات‌ترین و پررونق‌ترین سطح خود رسانید. او یکی از بزرگترین رجال سیاسی و نظامی دکن بود که با مقام وزارت به مدیریت امور پرداخت و دولت و دربار را دقیقاً زیر نظر قرار داد. (abbasi, 2019, 79) با این حال هر چه به مقام و منزلت محمود گاوآن نزد سلطان افزوده می‌شد، وی دشمنان بیشتری نیز پیدا می‌کرد. به نظر می‌رسد ایستادگی‌های او در برابر امرای سودجویی که از امور مالی دولت بهره‌کشان می‌بردند، سبب شد تا سرانجام همین امرا، به گاوآن تهمت زدند که او در صدد است با همدستی سلاطین هم‌جوار، سلطان را از سلطنت خلع کند. عبدالکریم نیمدهی که به نوشته فرشته نه تنها از شاگردان، بلکه از مریدان محمود گاوآن بود، در طبقات محمود شاهی آورده که اخلاص محمود گاوآن به سلطان و حلال‌خواری و کفایت و تلاش او در اداره دیوان و پیروزی‌هایش در تصرف ولایات دیگر، چنان حسد اطرافیان را برانگیخت که در نهان از هر فرصتی برای سعایت از او نزد سلطان استفاده می‌کردند.

سرانجام این دسیسه‌چینی‌ها سبب شد سلطان محمد که اعتماد بسیاری به محمود گاوآن داشت و به او نزدیک بود، چنان از قدرت و نفوذ محمود گاوآن به هراس افتاد که در روز پنجم صفر سال ۸۸۶ ق فرمان قتل او را صادر کرد. گویا محمود گاوآن در هنگام مرگ هفتاد و هشت سال داشت. گفته شده که سلطان به زودی از این فرمان پشیمان شد و دستور داد تا جنازه او را با احترام و در مراسمی باشکوه در مسجد و مدرسه‌ای که به همت خود محمود گاوآن در بیدر ساخته شده بود، به خاک سپردند. (حسین زاده، ۱۳۹۶، ۵۰)

آرامگاه خواجه در شکلی بسیار ساده در بیدر قرار دارد در دوران آصف جاهی لوحی که نام و نشان محمود گاوآن به زبان پارسی بر روی آن نوشته شده روی سنگ

مزار او اضافه شده است. (abbasi , 2019,671) طباطبا درباره پشیمانی سلطان از قتل گاوان نوشته که چون تیر از کمان جسته بود و بر ناوک هدف تأثیر نشسته بود ندامت را سودی نبود. (طباطبا، ۱۹۳۶، ۱۳۲) با قتل نسنجیده او توسط پادشاه نخست اینکه کارهای مملکت بی سامان شد و او بیش از دو سال پس از قتل وزیر زنده ماند و دوم آنکه حکومت بهمنیان خیلی زود دچار فروپاشی شد اما نام نیک و اخلاقیات پسندیده او در جهان و به ویژه در شبه قاره هند و ایران جاودانه شد. (abbadi,2019 ,664)

پس از کشته شدن خواجه محمود، امرای تابع او نیز از ترس قتل، همه به یوسف عادل شاه پیوستند. (هندوشاه استرابادی، ۱۳۰۱، ۴۶۴) همان گونه که فرشته نیز به این مطلب اشاره کرده است که خواجه پس از اطلاع فرمان قتل خود به سلطان گفت: «قتل من که به غایت پیری رسیده ام سهل است اما موجب خرابی ملک و بدنامی تو خواهد شد». (هندوشاه استرابادی، ۱۳۰۱، ۴۵۹) و رفته رفته پیش بینی خواجه محمود به تحقق پیوست، چون او افراد لایق را بر سر کار گمارده بود، حذف تمام آنها به یکبارگی، قوام سلطنت بهمنی را شکست و اسباب ضعف آن را فراهم آورد. (نجاتی حسینی، ۱۳۹۵، ۱۷۸)

سلاطین بهمنی در ضعف و ناتوانی پس از مرگ خواجه نتوانستند متصرفات خود را اداره کنند و آخرین ایشان شاه کلیم الله از دست امرا در خانه خود محبوس گردیده و به سال ۹۳۴ هجری مسموم شد و مملکت بهمنی ها میان عادل شاهیه و نظام شاهیه و قطب شاهیه و عماد شاهیه و برید شاهیه تقسیم شد. (وٹوقی، ۱۳۸۰، ۶) محبوبیت و مقام محمود گاوان به گونه ای بود که سلطان محمد ناچار شد برای توجیه دستور قتل او به برخی از حکمرانان و سلاطین منطقه، از جمله حاکم هرمز سلغر شاه بن توران شاه (حکومت: ۹۱۰-۸۷۹ ق) و سلطان حسین بایقرا (حکومت: ۸۷۵-۹۱۱ ق) نامه بنویسد و در آن ضمن اشاره به نشو و نمای محمود گاوان در دربار بهمنیان،

اتهام‌هایی چون اشاعت ظلم و تخریب دیار و عناد را به او و اطرافیانش نسبت دهد. (حسین زاده، ۱۳۹۶، ۵۱)

نقش مهاجرین ایرانی در گسترش زبان و ادب فارسی در دوره بهمنیان

از زمان حضور بهمنیان و سلطنت حسن بهمنی مهاجرت دانشمندان، روحانیون و شاعران و ... از ایران به جنوب هند افزایش یافت. او در گلبرگه جشن نوروز را برپا می‌کرد و مجالسی با حضور شاعران و دانشمندان عالی‌رتبه برگزار می‌کرد. یکی از مهم‌ترین اقدامات حسن بهمنی که تأثیر زیادی بر پیشرفت زبان و ادب فارسی در دکن داشت ایجاد مراکز آموزشی در شهرهای مختلفی مانند ایلچپور، گلبرگه، دولت آباد و بعضی نقاط دیگر بود که به مردمی شدن زبان فارسی به ویژه در میان جوانان کمک کرد. ارتباط نزدیک برهمنان با دستگاه‌های دولتی، نیز منجر به انتقال زبان فارسی به جمعیت غیرمسلمان دکن و در نتیجه نفوذ بر ادبیات سایر زبان‌های منطقه گردید. در دوران سلاطین بهمنی بسیاری از کتاب‌ها و نوشته‌ها به زبان فارسی تحریر می‌شد و بسیاری از شاعران قصیده‌ها و شعرهای خود را به زبان فارسی می‌سرودند. اغلب فرمان‌های حکومتی به فارسی نوشته و ابلاغ می‌شد. (کرمی، ۱۳۷۳، ۲۴)

برخی از پادشاهان و شاهزادگان بهمنی نیز علاقه زیادی به زبان فارسی داشتند که عده‌ای از آنها به زبان و ادبیات فارسی تبحر پیدا کردند. مجاهد شاه، مسلط به فارسی و ترکی صحبت می‌کرد. فیروز شاه که سلطنت او به عنوان دوره طلایی حکومت بهمن به حساب می‌آید، اشتیاق به آموختن زبان‌ها داشت. او خود شعر می‌سرود در این اشعار به نام‌های فروزی و عروجی تخلص می‌کرد. فیروز برای آوردن دانشمندان فارسی و عربی، کشتی‌هایی را به ایران و عربستان می‌فرستاد و خود به تدریس کلاس‌های مهم فارسی و عربی هفته‌ای سه روز می‌پرداخت. (هندوشاه استرابادی

آمدن ایرانیان به دکن و راه یافتن آنان به دربار از یک طرف و بذل و بخشش پادشاهان بهمنی از جانب دیگر سبب رشد و ترقی زبان و ادبیات فارسی شد و فارسی در دکن به جهت این عنایت و توجه، مقبولیت عام یافت. قدردانی از علما و شاعران ایرانی که بیشتر از شهرهای شیراز، استرآباد، گیلان، سمرقند، قزوین، هرات و اصفهان به دکن آمدند از سوی پادشاهان بهمنی موجب پدید آمدن تصانیف بسیاری به زبان فارسی شد. در حقیقت سرزمین دکن در عهد بهمنیان به سبب کارنامه درخشان علمی و ادبی و تمدنی آنان نقطه عطفی در تاریخ هندوستان و یک دوره مهم و جالب در «عهد میانه» محسوب می‌شود زیرا مورخان، دوره قبل از آنان را «عهد تاریک» می‌پنداشتند. (رادفر، ۱۳۷۶، ۶۹).

در دوره بهمنی در آموزش‌های اولیه، عالی‌ترین نمونه ادب فارسی، بوستان سعدی شیرازی، به شاهزادگان آموخته می‌شد. شاهان بهمنی زبان فارسی را به خوبی می‌دانستند و برخی از آنان به این زبان شعر می‌سرودند. شاهان این دودمان در تشویق فارسی‌زبانان و گسترش زبان فارسی اهتمامی خاص داشتند و نویسندگان و شاعران فارسی‌زبان به پشتوانه حمایت آنان، دورانی درخشان را در تاریخ زبان فارسی پدید آوردند. شیخ عین‌الدین بیجاپوری که به گنج‌العلوم شهرت داشت، تکمیل‌های بر کتاب طبقات ناصری قاضی منهج سراج جوزجانی نگاشت. شیخ ابراهیم مولتانی در عصر حکومت علاءالدین احمد دوم کتابی به نام معارف العلوم نوشت که نوعی دانشنامه بود. سیف‌الدین غوری که در همین دوران به مقام وزارت رسیده بود، کتابی به نام «نصایح الملوک» نوشت که در فن سیاست و امور دیوانی است. شهاب‌الدین عمر دولت‌آبادی، دانشمند دیگر این دوران، به دو زبان فارسی و عربی می‌نوشت و از میان آثار او باید به «بحرالمواج» اشاره کرد. این تفسیر چند جلدی قرآن به زبان فارسی به رشته نگارش درآمده است.

سید عزالدین مطهر شاعری ایرانی است که در سال ۷۸۲ ه.ق. / ۱۳۸۰ م از دربار شاه شجاع مظفری در فارس بار سفر بریست و به دربار فیروز شاه پیوست و قصایدی در مدح آن پادشاه سرود. او حکیم، فقیه، واعظ دبیر و خوشنویسی چیره‌دست بود. علی شاه، معروف به قلندر، شاعر دیگری بود که مصاحبت عبدالرحمان جامی را ترک گفت و از هرات به دربار بهمنیان رفت.

مهم‌ترین شاعر دربار بهمنیان را باید نورالدین محمد بن عبدالملک آذری اسفراینی دانست. حکیم آذری پس از ترک ایران، به مکه رفت و پس از مدتی اقامت در آن شهر، راهی دکن شد و به دربار سلطان احمد شاه اول پیوست. او ملک‌الشعرای دربار شد و با سرودن قصایدی در مدح سلطان، صله‌های فراوان دریافت کرد. مهم‌ترین اثر او بهمن نامه نام دارد که در آن تاریخ بهمنیان، از آغاز تا زمان سلطنت علاءالدین همایون، به نظم درآمده است. کار ناتمام او از سوی دو شاعر دیگر ادامه یافت و تاریخ بهمنیان تا سقوط آن دودمان منظوم شد. این شاعر شیعی، در دربار بهمنی منزلت بالایی داشت و علاءالدین احمد دوم در عمل به پندنامه منظوم آذری، نوشیدن شراب را ترک گفت. قصاید آذری که در توصیف قصر سلطان در بیدر سروده شده بود، از سوی یک خوشنویس به نام شرف‌الدین مازندرانی، به خط خوش نوشته و توسط حجاران دکنی در بنا نقش شد.

نظیری طوسی، شاعر دیگری بود که سرزمین خود را ترک گفت، در دکن به عمادالدین محمود گاوآن پیوست و عنوان ملک‌الشعرایی دربار را به دست آورد. او در دوران علاءالدین همایون همراه با شاه حبیب‌الله کرمانی زندانی شد و پس از رهایی از زندان باقی عمر خود را در دکن گذراند. کاظمی هروی، ملا عبدالکریم همدانی و ملا سامعی از دیگر شاعران ایرانی دربار بهمنیان بودند. (منفرد فراهانی، ۱۳۸۲، ، ۱۴۰-)

در دستگاه امارت همه آنان زبان و ادب فارسی رسمیت داشت، نامه‌نگاری‌های دیوانی به زبان فارسی انجام می‌شد و سیاستمداران و ادیبان ایرانی زمام امور را در دست داشتند. دربار سلسله پادشاهان دکن در این دوره محل اجتماع بسیاری از بزرگان علم و ادب و سیاست ایرانی بود. (مردانی، ۱۳۸۵، ۸۴-۸۳)

نقش وزیران و دولتمردان ایرانی در آنچه به فرهنگ ایران و زبان و ادب فارسی در شبه قاره ارتباط دارد، بسیار با اهمیت و غیرقابل چشم‌پوشی است. ارزش و اهمیت آنان در این زمینه به خاطر آن است که آنان با حمایت‌ها و تشویق‌های سخاوتمندانه خویش موجبات رواج و رونق فارسی را فراهم می‌ساختند.

بر اساس آنچه در منابع ذکر شده، هنگامی که ایرانیان به مراتب و مقامات نائل می‌آمدند، چون خود با محیط و فرهنگ ایرانی انس و ارتباط داشتند طبیعتاً به شعر و ادب فارسی علاقه نشان می‌دادند و شاعران و نویسندگان فارسی دان را مورد نوازش قرار می‌دادند، کتابخانه و مدرسه برپا می‌ساختند، ایرانیان مهاجر را به گرمی پذیرا می‌شدند، ارتباط با دربارهای ایران را مستحکم می‌کردند و با داد و دهش و اعطای صله بازار فارسی را گرم نگه می‌داشتند. اقدامات و حمایت‌های وزیران و امیران تأثیر ارزنده بر وضعیت فارسی در آن روزها داشته است، زیرا که آنان به دلیل موضع و موقعیت اجتماعی و سیاسی خویش در حدی بودند که می‌توانستند با ارتباطات اجتناب‌ناپذیری که هم با دربارها و هم با طبقات عامه و لشکریان داشتند موجبات شهرت و رواج فوق‌العاده زبان و ادب فارسی را در دربارها و در بین نخبگان، شاعران و عامه مردم فراهم سازند.

در ادوار بعد هم اثر این حمایت‌ها که در قالب مدارس، کتابخانه‌ها و خلق آثار ارزنده فارسی مجال ظهور یافته بودند باقی ماند؛ و پشتیبانی این نهادها که نتیجه توجه و پشتیبانی وزیران و دولتمردان ایرانی و ایرانی تبار بود جزو سرمایه‌های ملی و فرهنگی هند قرار گرفت و موجب گردید تا روح و فرهنگ ایرانی و زبان فارسی در زبان و ادب تحصیل کردگان و نخبگان جامعه هند حضور خود را ادامه دهند. این که

می‌بینیم که در تذکرها از صدها شاعر، هنرمند و نویسنده برجسته صاحب آوازه در دستگاه‌ها و دیوان‌های این وزیران و ایران گفت‌وگو می‌شود، نشان می‌دهد که حمایت آنان نه تنها بی‌تأثیر نبوده بلکه سبب شده تا فارسی مجال انتشار و انعکاس بیشتری پیدا کند. (مردانی، ۱۳۸۵، ۴۴-۴۳)

از سلاطین بهمنی، فیروز شاه و احمد شاه قدردان زبان و ادب بودند. علما و ادبا و شعرا به دربار آنان وابسته بودند. عصایی فتوحات السلاطین را منظوم کرد. آذری بهمن نامه را تألیف نمود. سلطان محمود دوم (۸۰۰-۷۸۹) به وساطت میر فیض‌الله انجوی شیرازی حافظ شیرازی را به دکن دعوت کرد. پادشاه به محمد حسینی گیسو دراز ارادت قوی داشت. ملفوظات و مؤلفات مرشد مقبولیت فراوان داشتند. یک شخصیت برجسته به نام خواجه جهان محمود گاوآن، گیلانی بود. وی در احمدآباد مدرسه، مسجد، کتابخانه و بازاری تأسیس نمود. خود او شاعر و ادیب بود و با مولانا عبدالرحمان جامی مکاتبه داشت. او برای راهنمایی مکتوب نویسی مناظرالانشاء و ریاض‌الانشاء را تألیف نمود و برای گسترش زبان فارسی خدماتی انجام داد. (احمد ظهورالدین، ۱۳۷۸، ۹۳-۹۲)

عملکرد هنری شیعیان مهاجر ایرانی بر دربار بهمنیان دکن

معماری

معماری، از جمله هنرهایی بود که حاکمان مسلمان دکن همواره در صدد تقویت آن بودند. در بیشتر موارد، تأثیر هنر ایرانی در معماری‌های دکن دیده می‌شود. بنای شهرهای اسلامی، از جمله مواردی است که همواره از سوی مسلمانان، برای ترویج فرهنگ اسلامی اتخاذ می‌شد. (عالمی، ۱۳۹۳، ۹۹)

معماری دکن در مجموع دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که برخی از پژوهشگران آن را مستقلاً سبک دکنی نامیده‌اند. این سبک در دوره بهمنیان و پس از آن در این سرزمین پدید آمد و تکامل یافت. (معصومی، ۱۳۸۴، ۹-۸)

در طول حکومت سلسله بهمنی (۹۳۴-۷۴۸ ق) در سه پایتخت آنان یعنی دولت آباد، گلبرگه و بیدر در کنار نگارش و تصنیف آثار ادبی و پرورش علما و ادبا به علت حمایت پادشاهان و امرا، معماری نیز رونق روزافزون یافت و آثار تاریخی هنری مهم به جا مانده از نظر هنر معماری، نقاشی، کاشی‌کاری و کتیبه سازی در شهرهای یاد شده، حکایت از ذوق هنرمندان این دوره دارد. در آثار و بناهای این دوره تأثیر هنر معماری ایرانی دوره اسلامی مشهود است. به ویژه بهره‌گیری از معماری دکن در ساختن گنبدها، مسجدها، قصرها و دیگر آثار تاریخی شهرهای گلبرگه، بیدر و دولت-آباد شایان توجه است. نفوذ هنر ایرانی در معماری جنوب هند در دوره بهمنیان موجب پیشرفت هنر معماری دکن شده است. گنبدهای شاهی مجاهد شاه، داود شاه، شاهزاده سنجر، غیاث‌الدین شاه و فیروز شاه که به مجموعه هفت گنبد مشهور است و گنبد بنده‌نواز گیسو دراز از این نمونه است. تأثیر هنر ایرانی به حدی است که شاید این دوره را از نظر معماری بتوان دوره ایران بهمنی نامید. مدرسه محمود گاوآن در شهر بیدر نمونه‌ای برجسته از ذوق مادی و معنوی و بنا سازی نه تنها در مشرق زمین بلکه در دنیاست و آثار هنر ایرانی در آن آشکار است. (مردانی، ۱۳۸۵، ۸۴-۸۳)

مقبره شاه خلیل‌الله فرزند شاه نعمت اله ولی که بیرون شهر بیدر است نمونه‌ای از سبک معماری ایرانی دوره بهمنی است. (کریمی، ۱۳۷۳، ۲۱)

سلطان قلی قطب شاه، علاقه ویژه‌ای به احداث ساختمان‌ها داشت. پایتخت خود را با بنای مساجد، قصرها و باغ تزیین نمود. از آن جمله می‌توان به بنای مسجد جامع گلکنده و چند عمارت دیگر که به دستور او ساخته شده، اشاره کرد. ایشان مبتکر سبک معماری قطب شاهی به شمار می‌آید و شیوه معماری ساختمان‌ها و مساجدی که در آن دوره ساخته شده، آمیزه‌ای از سبک معماری ایرانی و هندی است. (رجب نژاد، ۱۳۸۹، ۱۲۴) و نام «طرز قطب شاهی» مشهور شد. کاشی‌کاری که از زمان بهمنی‌ها در جنوب هند رایج شده بود در این سال‌ها رونق بیشتری گرفت، لذا هنرمندان ایرانی مورد توجه خاص قرار گرفتند. آثار کاشی‌های باقی مانده بر مقبره

ابراهیم قلی قطب شاه و کاشی‌کاری پادشاهی عاشورخانه در حیدرآباد نمونه‌هایی از کاشی‌کاری این دوران است. (کرمی، ۱۳۷۳، ۷۰)

نمونه عالی معماری دوره قطب شاهیه بنای شهر حیدرآباد است. یکی از مهم‌ترین رویدادهای دوران پیشوایی میر مؤمن بنا و آبادی و تزیین این شهر بود. (قادر، ۱۳۸۶، ۱۱۸)

علامه استرآبادی که معمار معروف عصر خود بود، شهر عظیم و زیبای حیدرآباد را در سال ۹۹۹ قمری آماده نمود. وی حیدرآباد یعنی شهر حضرت علی را بر اساس نقشه اصفهان دوران صفوی طراحی کرد و این شهر در آن دوران به عنوان «اصفهان نو» معروف گردید.

علامه میر مؤمن اساساً به ابتکار طرح‌هایی در جهت توسعه رفاه مردم و گسترش فرهنگ ایرانی - شیعی علاقه‌مند بود. حیدرآباد بر اساس طرحی شبکه‌ای بود و در آن دو راه اصلی شرق به غرب و شمال به جنوب طراحی شده بود. این راه‌ها در مجموعه «چهار منار» هم دیگر را قطع می‌کردند. چهار منار زیباترین بنای تاریخی است که میر مؤمن در حیدرآباد ساخت. این عمارت به یادبود چهار منار بارگاه مقدس امام رضا بنا شد و میر مؤمن در ذهن خود نقشه مشهد مقدس را داشت و آن را اجرا کرد. از سمت هریک از چهار تاق باعظمت چهار منار، چهار راه به خارج وجود دارد: راه شمال به رودخانه موسی، جنوب به سمت کوه طور (محل قصر «فلک‌نمای» فعلی)، راه شرقی به خلیج بنگال و راه غرب به گلکنده می‌رود. (محمدی، ۱۳۹۷، ۱۴۸)

نقش خواجه محمود گاوآن بر هنر دوره بهمنیان دکن (ساخت مدرسه)

شاید بزرگترین میراث گاوآن ساخت مدرسه بیدر است که با نظارت مستقیم او انجام شد و در سال ۱۴۷۲ م به پایان رسید. اکنون تنها سه چهارم از بنای آسیب دیده باقی مانده است و یکی از دو مناره اصلی آن نیز هست؛ و تنها اثری از کاشی‌های

لعاب‌دار با رنگ درخشان که روزی دیوارها و مناره‌های آن را پوشانده است، باقی مانده است. (waghmare, 2018, 365) اما هنوز آیه «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» (سوره زمر، آیه ۷۳) که بر روی کاشی‌کاری‌های نمای بیرونی نقش بسته است دیده می‌شود. با این حال، شکوه و جلال اصلی کالج حتی در وضعیت فعلی خود بی‌نظیر است. (waghmare, 2018, 57) این آثار باقی مانده از ساختمان باشکوه نشان می‌دهد که گاوان کاملاً به نیازهای یک نهاد علمی آگاه بوده است. (اطهر رضوی، ۱۳۸۰، ۴۱۱) این مدرسه که یکی از مشخص‌ترین بناهای باقی مانده دوره بهمنیان است به سبک مدارس علوم دینی ایران ساخته شده است. (کرمی، ۱۳۷۳، ۲۱)

علاقه وافر محمود گاوان به فعالیت‌های فرهنگی، منجر به نفوذ هنر ایرانی در تحولات فکری و آثار هنری عصر او گردید. وی هنرمندان و کاشی‌کاران بسیاری را از ایران (به ویژه از دربار تیموریان) به دکن دعوت نمود و آنان را در احداث آثار هنری به کار گماشت. دو هنرمند برجسته به نام‌های شکرالله قزوینی و علی صوفی در بنای این اثر به سبک هنر ایرانی، نقش مهمی در این امر ایفا کردند. سبک بنای ساختمان، همانند مدارس قدیم سمرقند و مساجد اصفهان است. کاشی‌کاری دیوارهای آن از زیبایی خاصی برخوردار است. رسم الخط کتیبه‌ها نیز مخلوطی از خط نسخ و نستعلیق است و بر سردر مدرسه، آیاتی از قرآن کریم به خط ثلث بر زمینه‌ای سفید با حروفی آبی‌رنگ نگاشته شده و نام کاتب آن «کتیبه العبد علی الصوفی» نمایان است.

بنای مدرسه در سطحی بالاتر از زمین طراحی و در سه طبقه بنا گردید. در این بنا، پیرامون حیاط آن، اتاق‌های بسیاری برای طالبان علم ساخته شد. در این اثر، از گنبد‌های دو لایه و به سبک مدارس «چهار ایوانه» تیموریان در سمرقند، از مناره استفاده شده است. پیش از آن بنای گلدسته به جای مناره، رواج داشت. مدرسه «محمود گاوان» شامل تالار سخنرانی، تالار اجتماعات، کتابخانه، اتاق استادان،

اتاق‌های دانش‌آموزان و خوابگاه بود. کتابخانه آن بیشترین تعداد کتب (سه هزار جلد) را به خود اختصاص داده بود. مکاتبات محمود گاوآن نشان می‌دهد که او کتاب‌های نفیس را از سرزمین‌های گوناگون، برای کتابخانه مدرسه تهیه می‌نمود. مؤلف تاریخ ادبیات فارسی می‌نویسد: مَهر محمود گاوآن بر نسخه‌ای از کتاب تفسیر کشاف موجود است که برای شاهرخ میرزا، پسر امیر تیمور، تهیه شده است. این امر نشان می‌دهد که محمود گاوآن به مبادله کتب و تهیه آن برای کتابخانه خویش می‌پرداخت. (عالمی، ۱۳۹۳، ۲۱۴-۲۱۳)

گاوآن مدرسه را علاوه بر کتابخانه با رصدخانه و ابزار ستاره‌شناسی مجهز کرد. (اطهر رضوی، ۱۳۷۶، ۴۰۶) استادانی که در این مدرسه تدریس می‌کردند اساتید توانمندی بودند که گاوآن آنها را از نواحی مختلف دیار اسلام به بیدار دعوت کرده بود. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۱۲۳) گاوآن دانشمند و صوفی بزرگ، شیخ ابراهیم ملتانی را به سرپرستی مدرسه‌ی خویش برگزید و برای دعوت از دانشمندان مشهور از سرزمین‌های مختلف برای تدریس در آن تلاش فراوان کرد. وی نامه‌هایی به نورالدین جامی، محمد بن اسعد جلال‌الدین دوانی و دیگر دانشمندان برجسته نوشت و آنها را جهت تدریس در آموزشگاه خود به دکن دعوت کرد به نظر گاوآن برای یک دانشکده افراد برجسته فرهنگی و علمی، شرطی ضروری است. در این مدرسه شاگردان نه تنها آموزش می‌دیدند، بلکه به آنان غذا و لباس رایگان داده می‌شد. چنین مؤسسه‌ای نمی‌توانست بدون کتابخانه‌ای که عنصر اصلی آن بود باشد. به خصوص که شخصیت گاوآن به گونه‌ای بود که هیچ هدیه‌ای نزد او نمی‌توانست مقبول‌تر از یک جلد کتاب باشد، هر نسخه‌ای که به او داده می‌شد جایی در کتابخانه یافت می‌شد. خواجه نیز به طور مرتب اوقات فراغت‌ش را در گوشه‌های مدرسه می‌گذرانید. این مدرسه تا سال ۱۶۱۴/ ۱۰۲۳ م، سال تألیف «تاریخ فرشته برجای بود. مؤلف تاریخ فرشته در مورد آن می‌نویسد که هنوز آن عمارت و مسجد و چهار طاق از لطافت و پاکیزگی چنان به

نظر می‌آید که بنا حالا دست از تعمیر آن بازداشته» {است} مدرسه گاوان به صورت شبانه‌روزی اداره می‌شد.

این بنا از سالن‌های مختلف برای برگزاری کلاس درس، اتاق وعظ و خطابه، محل‌هایی برای استراحت استادان و دانشجویان تشکیل شده بود. عظمت و شهرت این مدرسه به گونه‌ای بوده است که با مدرسه «خرگرد خراسان» که در عصر شاهرخ تیموری ساخته شد و همچنین با مدرسه معروف ریگستان سمرقند، ساخته الغ بیک پسر شاهرخ مقایسه می‌شود. (یاری و کناریوند، ۱۳۹۴، ۷۰-۶۹) محمود گاوان هزینه مدرسه را از اموال شخصی خویش که از طریق تجارت کسب می‌کرد می‌پرداخت؛ بخشی از هزینه آن نیز از محل اوقاف تهیه می‌شد. (عالمی، ۱۳۹۳، ۲۷۲)

نتیجه‌گیری

سرزمین دکن در جنوب هند از نخستین قرون ظهور و گسترش اسلام مورد توجه بسیاری از مسلمانان قرار گرفت و گروه‌هایی از بازرگانان و صوفیان مسلمان به قصد تجارت و نیز برای تبلیغ اسلام وارد این منطقه گردیدند. علل عمده نفوذ رواج اسلام در شبه قاره، جاذبه و کشش، مساوات و عدالت‌خواهی اسلام بود. عوامل انتقال آن، بازرگانان، صوفیان و سپاهیان بودند. اسلام پیش از آن که با نیروهای نظامی و فاتحان مسلمان در میان ساکنان شبه قاره انتشار یابد، از سوی گروه‌های مختلف مسلمان که به دلایل مختلف با مردم شبه قاره ارتباط داشتند در میان مردم آن منطقه گسترش یافت و فعالیت‌های این گروه‌ها باعث گرایش مردم بومی آن منطقه به این آیین شد. مردم شبه قاره در برابر سپاهیان مسلمان و فتوحات آنها در شبه قاره واکنش نشان می‌دادند، اما شیوه زندگی و روحیه صلح‌جویانه گروه‌های مختلف مسلمانان در بخش‌های متفاوت شبه قاره نه تنها با واکنش ساکنان بومی آن مناطق مواجه نبود، بلکه در بسیاری موارد باعث گرایش به دین اسلام و مذهب تشیع می‌شد. هر چند که هدف اصلی این مهاجران تبلیغ تشیع نبود اما عواملی همچون روحیه مسالمت‌جویانه

آنان با ساکنان بومی و نیز توانمندی مذهب تشیع باعث شد در طول سالیان متمادی تشیع در بستری آرام توسط این افراد گسترش یابد.

با تشکیل حکومت بهمنی که خود را از تبار ایرانیان می‌دانستند روند مهاجرت‌ها افزایش یافت زیرا پادشاهان بهمنی از این مهاجرین به گرمی استقبال می‌کردند؛ به نظر می‌رسد این حکومت نوپا برای توانمندسازی پایه‌های حکومتش به نیروهایی غیربومی نیاز داشت که این مسئله فرصت مناسبی را برای تازه‌واردان دکن مهیا ساخت تا بتوانند در همه ارکان حکومتی بهمنیان نفوذ کرده و قدرت سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی را به دست بگیرند و پایه‌های حکومت‌های شیعی را بنیان نهند.

این افراد زمینه‌های گسترش و نفوذ تشیع را در دکن فراهم کردند. زبان فارسی نیز که زبان اداری این سلسله محسوب می‌شد در همه زمینه‌ها مورد استفاده قرار گرفت و علما و دانشمندان کتاب‌های بسیاری به زبان فارسی نگاشتند و باعث رشد و شکوفایی فرهنگ فارسی شدند البته در این میان صوفیان و بومیان هند نقش عمده‌ای بر عهده داشتند؛ تعالیم صوفیانه و فعالیت‌های صوفیان منجر به ترویج زبان فارسی شد و بومیان تحت تأثیر این فرهنگ قرار گرفته و زمینه‌های ارتقاء آن را به وجود آوردند.

هنرمندان بسیاری در سایه حمایت این افراد به خلق آثار ارزشمندی پرداختند و معماران با ساختن شهرها و بناهای باشکوه آثار ماندگاری از فرهنگ ایرانی-اسلامی به جا گذاشتند.

با روی کار آمدن سلسله‌های مسلمان در جنوب هند، زمینه گسترش فعالیت‌های تجاری بیش از پیش فراهم شد و مبادلات تجاری میان ایران و این دولت‌ها رو به پیشرفت گذاشت و تعداد زیادی از ایرانیان به فعالیت‌های تجاری در جنوب هند مشغول شدند. تعدادی از این افراد که به عنوان بازرگان به دکن رفته بودند، در سرزمین جدید و در شرایط پس از مهاجرت توانستند به خوبی خود را با شرایط تطبیق

دهند آنها توانستند در حوزه‌های فرهنگی، ادبی، هنری و با توانمندی‌های خاص خود در زمینه تجارت نقش ویژه‌ای را در منطقه دکن عهده‌دار شوند.

منابع و ماخذ

احمد، ظهور الدین، (۱۳۷۸)، آغاز فارسی در شبه قاره و چگونگی ارتقای آن، نامه پارسی، سال ۴، شماره ۳

احمد، عزیز، (۱۳۶۶)، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران، کیهان

استانلی، لین پول، (۱۳۶۳)، طبقات سلاطین اسلام همراه با جداول تاریخی و نسب ایشان، ترجمه عباس اقبال، چاپ دوم، تهران، دنیای کتاب

اطهر رضوی، سید عباس، (۱۳۷۶)، شیعه در هند ۱، جلد اول، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

اطهر رضوی، سید عباس، (۱۳۸۰)، تاریخ تصوف در هند، جلد اول، ترجمه منصور معتمدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی

اطهر رضوی، سید عباس، (۱۳۹۶)، تاریخ اجتماعی - فکری شیعه اثناعشری در هند، جلد اول، ترجمه منصور معتمدی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

جعفرپور، جلال؛ اصلانی، زینب، (۱۳۹۳)، ایرانیان و اشاعه فرهنگ تشیع (دوره عادل شاهیان هند)، فکر و نظر

حسین اف، سید جلال، (۱۳۸۹)، حیات علمی - فرهنگی دکن، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دوره جدید، شماره ۱۴۸

ر. موداک، مانورما، (۱۳۴۵)، سرزمین و مردم هند، ترجمه فریدون گرگانی، تهران،
بنگاه ترجمه و نشر کتاب

رادفر، ابوالقاسم، (۱۳۷۶)، تاریخچه زبان و ادبیات فارسی در جنوب هند (دکن)،
فصلنامه آشنا، شماره ۳۵

رادفر، ابوالقاسم، (۱۳۹۲)، فرهنگ‌نویسی فارسی در هند جنوبی (دکن)، کهن نامه
ادب پارسی، سال چهارم، شماره ۴

ربیعی، سمیه، (۱۳۹۴)، نقش ایرانیان در ترویج تشیع در هند، فلسفه و کلام،
اطلاعات حکمت و معرفت، سال دهم، شماره ۲

رجب نژاد، محمدرضا، (۱۳۸۹)، نقش دولت‌های شیعی هند در گسترش موقوفات
هندوستان، استاد راهنما فاطمه جان احمدی، رساله دکتری تاریخ و تمدن
اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی

رجب نژاد، محمدرضا؛ جان احمدی، فاطمه، (۱۳۹۱)، بررسی اسناد تاریخی
موقوفات دولت شیعی قطب شاهیان در هند، گنجینه اسناد، سال بیست و دوم،
دفتر دوم، شماره ۸۶

رحمانی، مهدی، (۱۳۹۵)، نقش ایرانیان مهاجر در دولت‌های شیعی هند در قرن
۷ تا ۱۰ ه.ق، استاد راهنما محمدعلی پرغو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ
تشیع، دانشگاه تبریز

سید حسین زاده، هدی، (۱۳۹۶)، نقش خواجه عمادالدین گاوآن در روابط سیاسی
- فرهنگی بهمنیان با آق‌قویونلوها، ادبیات و زبان‌ها، شبه قاره (ویژه نامه نامه
فرهنگستان)، شماره ۷

شاملویی، حبیب‌الله، (۱۳۶۳)، جغرافیای کامل جهان، انتشارت بنیاد

صادقی علوی، محمود، (۱۳۸۸)، نقش ایرانیان در گسترش حکومت بهمنیان، تاریخ روابط خارجی، شماره ۴۱

صادقی علوی، محمود، (۱۳۹۱)، تاریخ اجتماعی شیعیان دکن در قرن ۱۰ و ۱۱ هجری، استاد راهنما آذر آهنچی، رساله جهت دریافت درجه دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تهران

صادقی علوی، محمود، بهار (۱۳۹۳)، گسترش تشیع در دکن در سده‌های دهم و یازدهم هجری، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال چهارم، شماره ۱۳

صدیقی، محمد سلیمان، مدیر شانه‌چی، محسن، (۱۳۶۹)، پیدایش سلسله چشتی در دکن، کیهان اندیشه، شماره ۳۱

ضابط، حیدر رضا، (۱۳۷۷)، تشیع در شبه قاره هند (۱)، ادیان و مکاتب: پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۲

طباطبایا، سید علی، (۱۹۳۶)، برهان مآثر، دهلی

طریحی، محمد سعید، (۱۴۲۶ ه / ۲۰۰۵ م)، تاریخ الشیعه فی الہند ملوک حیدرآباد تاریخ المملکہ القطب شاہیہ فی الہند، جلد دوم، آکادمیہ الکوفہ، ہولندا عالمی، خدیجہ، (۱۳۹۱)، محمود گاوان وزیر گمنام شیعی در دکن، شیعه پژوهی، شماره ۳۸

عالمی، خدیجہ، (۱۳۹۱)، ملوک بهمنی و جایگاه تشیع در دکن، شیعه شناسی، سال دهم، شماره ۳۹

عالمی، خدیجہ، (۱۳۹۳)، ملوک بهمنی، نخستین حاکمان مستقل در دکن، تهران، انتشارات امیرکبیر

عامر، خان محمد، (۱۳۷۸)، علل گسترش و رواج زبان و ادب فارسی در هند، نامه پارسی، س ۴، ش ۴

عصامی، عبدالملک، (۱۹۴۸)، فتوح السلاطین، دانشگاه مدرس

عقیل، معین‌الدین، (۱۳۹۱)، ایران و حکومت بهمنیان در دکن، ترجمه، شاهد چوهدری و علی‌محمد طرفداری، مجله رشد آموزش تاریخ، دوره چهاردهم، شماره ۱

فراهانی منفرد، مهدی، (۱۳۸۲)، ایرانیان در دکن مروری بر حضور ایرانیان و نفوذ زبان فارسی در حکومت بهمنیان، نامه انجمن، شماره ۱۱

قادری، سید محی‌الدین، (۱۳۸۶)، میر محمد مؤمن استرآبادی مروج تشیع در جنوب هند، ترجمه علی جاروی، قم، نشر مورخ

کرمی، مجتبی، (۱۳۷۳)، نگاهی به تاریخ حیدرآباد دکن، تهران، وزارت امور خارجه

کناریوند، مریم، (۱۳۹۴)، نقش دیوانسالاران ایرانی در گسترش تشیع در دکن، استاد راهنما سیاوش یاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ تشیع، دانشگاه ایلام

گاوان، عمادالدین، محمود، (۱۳۸۱)، مناظر الانشا، تصحیح معصومه معدن کن، تهران، نشر آثار، فرهنگستان زبان و ادب فارسی

محمدی، حسین، نقیبی، ذهره، (۱۳۹۷)، نقش میرمحمد مؤمن استرآبادی در گسترش فرهنگ ایرانی - شیعی در دکن، شیعه‌شناسی، سال شانزدهم، شماره

مردانی، فیروز، (۱۳۸۵)، سیری در مناسبات فرهنگی ایران و هند، تاریخ روابط خارجی، ش ۲۸

معاشری، مرضیه (۱۳۹۶)، نقش بهمنیان در ترویج تشیع در جنوب هند، استاد راهنما محمد باغستانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته الهیات گرایش تاریخ تشیع، دانشگاه پیام نور مرکز مشهد

معصومی، محسن، (۱۳۸۴)، نخستین نشانه‌های ظهور تشیع در دکن، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، شماره ۵۳

معصومی، محسن، (۱۳۸۷)، عناصر قومی تشکیل دهنده جامعه دکن در دوره بهمنیان و چگونگی تعامل آن‌ها با یکدیگر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، شماره ۵۳

معصومی، محسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی دکن در دوره بهمنیان، تهران، انتشارات علمی فرهنگی

نجاتی حسینی، راضیه، (۱۳۹۵)، نقش علمای شیعه در گسترش تشیع در هند پس از حمله مغول تا پایان دوره صفویه، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی

نفیسی، سعید، (۱۳۴۴)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، جلد اول، بی‌جا

نیمدهی، عبدالکریم، (۱۳۹۴)، کنزالمعانی (منشآت نیمدهی)، تصحیح و توضیح و اضافات محمدرضا نصیری و محمدباقر وثوقی، تهران، نشر آثار

هالیستر، جان نورمن، (۱۳۷۳)، تشیع در هند، ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدونی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی

هندوشاه استرآبادی، محمد بن قاسم (۱۳۹۳)، تاریخ فرشته، جلد سوم، تصحیح
محمد رضا نصیری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

هندوشاه استرآبادی، محمد بن قاسم، (۱۳۰۱ ق)، تاریخ فرشته، جلد دوم، چاپ
سنگی، بی جا

وثوقی، محمدباقر، (۱۳۸۰)، تاریخ ایران و هند قرن نهم هجری در کتاب
ریاض الانشاء، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

یاری، سیاوش، (۱۳۸۸)، تاریخ اسلام در هند، از آغاز تا قرن پنجم هجری قمری،
قم، نشر ادیان

منابع انگلیسی

Abbasi, Mahmoud; Pouyan. Naser, (2019), A Research on the Key Role of Maḥmūd Gāwān in Medical Ethics Extension and Attracting the Iranian Physicians and Élites to the Subcontinent of India International Multilingual Journal of Science and Technology (IMJST). ISSN: 2528-9810 Vol. 4 Issue 9

Ansari, N. H, (1988). "Bahmanid dynasty". Encyclopaedia Iranica, Vol. III, Fasc. 5.

Sherwani, Haroon Khan, (1942), Maḥmūd Gawan The Great Bahmani Wazir. Allahabad, Kitabstan

Siddiqi, Muhammad Suleman, (1990), "Sufi-State Relationship under the Bahmanids (AD 1348-1538)." Rivista degli studi orientali 64, no. Fasc. 1/2

Waghmare, Nalini. (2018), "Mahmud Gawan: Wazir of bahamani dynasty".

Abstact:

The findings of the present research show that the roots of the Shia religion, which was established during the Bahmani period, and their support for Shia immigrants who migrated from Iran and Arab lands to the Deccan led to the spread of the Shia religion, the spread of Iranian-Islamic culture and civilization in Daccan. One of the most important results of their presence as cultural missionaries was by creating educational institutions and using the presence of scholars to create a suitable environment for literary support. Valuable works that were written in this period brought the Persian language to its peak. Also, the migration of Shias in the form of bureaucrats, merchants, artisans and architects caused the influence of Iranian cultural and artistic fields in India. Most of the Bahmani buildings were built by Iranian architects. Buildings such as Golbergh Grand Mosque, Bidar School, Golbergh Fortress, etc., Bahmani sultans, in search of a special style for their art, took advantage of contemporary Iranian art, and the influence of Iranian Shiite immigrants in this cultural and artistic influence was so evident that its works It can be seen on the remaining buildings from the Bahmani period.

Keywords: Deccan Peninsula, Bahmani rule, Shiism, Persian language, architecture .